

گزارش «اعتماد» از مفقود شدن پسر خاله‌ها
در انفجار بندر شهید رجایی

در انتظار تکه استخوانی
از عزیزمان هستیم

در خواست ما این است که تکلیف مان را روشن کنند

ارسال پیامک‌های حجاب بعد از اصفهان در تهران، درباره این
پیامک‌ها و ستاد امر به معروف تهران چه می‌دانیم؟

✓ تهران؛ شهری دفاع

رشد نگران کننده پدیده فروش وام مسکن
✓ سودجویی از نیاز مردم

سلوک جامعه شناسانه به روایت سراج‌زاده
✓ جامعه شناس مردم‌مدار

نگاهی به ظرفیت‌های موسیقی فولکلور
و چالش‌های استفاده از آن در صدا و سیما

✓ میراثی که تنها در شعار زنده است

صنعت دیجیتال

نقش کارگران
در جامعه

شهردار شاهرخی طهرانی

صنعت بازی‌های ویدیویی صنعتی است بسیار پیچیده و نیازمند به نیروهای بسیار متخصصی که متأسفانه در سال‌های گذشته در ایران در هر فعالیتی به در بسته خورده‌اند یا ناچار به دنبال سرمایه‌گذاری‌های خارجی از سوی کشور،‌های همسایه همچون ترکیه گشته‌اند تا لاقال مطابق نظر آنها به طراحی بازی‌های ویدیویی بپردازند یا اینکه راه‌ی بازگشت ترک ایران را انتخاب کرده‌اند کشور در این زمینه هم از خروج نخبگان و متخصصان متحمل آسیب‌های فراوان شده است؛ به هر حال شکوه از سیاست‌های منجر به گریز نخبگان شکایتی است قدیمی که تاکنون تمام فرایدهایمان در این نادر، بلکه حتی اجاز‌های برای ساخت بازی‌های صنعت بازی و انیمیشن هم از این رویکرد مستثنا نیست؛ در این زمینه نه تنها سرمایه‌گذاری وجود ندارد، بلکه حتی خانواده‌های داغ‌بده پر داخته و مستند و مالدارانی که با این مسئله مواجه شده‌اند و این حادثه تلخ موجب شد که خانواده‌های بسیاری نان‌آور خود را از دست داده و همچنان بیشتر در فقر و فلاکت روزگار را بگذرانند لذا باید مسوولان تدبیری اندیشیده و هر چه سریع‌تر به حمایت از این خانواده‌های داغ‌بده پرداخته و این حمایت باید به صورت دائمی باشد؛ زیرا خسارت جانی و مالی به قدری بالا بوده که به این آسانی نمی‌توان جبران خسارت کرد مخصوصاً فرزندی که بی‌پدر و زنی که بیوه و اکنون در این فاجعه تحت پوشش و حمایت کامل و جامع دولت قرار گرفته تا مگر شاید اندکی مرهم و التیام بر زخم و آندوه خانواده‌های جانی‌خسته و آسیب‌دیده در این حادثه و فاجعه تلخ باشد. در واقع این حمایت و پوشش باید برای همه کارگران در سراسر کشور انجام شود، چرا که این شرایط تورم و گرانی که در مملکت حاکم است قشر کارگر و فرودستان جامعه که هیچ اقشار متوسط و کمی مرفه‌تر هم نمی‌توانند از پس مخارج زندگی خود بر آیند، لذا پس اول باید کارگران را در باییم تا این گروه بزرگ و البته ضعیف و کم درآمد جامعه بتوانند انگیزه‌ای برای کار کردن را هم داشته باشند تا بایست‌های این عزیزان زحمتش سرزمینی آباد و پر رونق و پر از برکت و زندگی در فاه داشته باشیم. کارگران اگر چه نقش حیاتی در توسعه دارند، اما آنها با چالش‌هایی نیز مواجه هستند که می‌تواند آثار منفی بر زندگی و شرایط کاری آنها داشته باشد. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها دستمزد پایین و شرایط کاری نامناسب و کمبود یا عدم امنیت شغلی...

روزنامه اعتماد

روزنامه تعادل

اعتماد آنلاین

سینما اعتماد

سایت جنایی

رهبر انقلاب در دیدار
دست‌اندر کاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله الحرام:

هیچ منفعتی برای امت اسلامی
بالا تر از اتحاد نیست

«اعتماد» در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد
اختلاف در تیم ترامپ

حسن بهشتی پور: خروج والتز از حلقه تصمیم‌سازی به نفع ایران است

عبدالرضا فرجی‌راد: شواهد نشان می‌دهد تیم ترامپ در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران تصمیم‌های تازه‌ای اتخاذ کرده است

اینک نیز مایک والتز بسان پیشینانش قربانی شده و در سرلیست خروجی‌های دولت دوم ترامپ قرار گرفته است. این در حالی است که مقام‌های رسمی ایالات متحده تاکنون در خصوص علت برکناری والتز، موضع گیری رسمی و روشنی ارائه نکرده‌اند. باین حال، برخی منابع رسانه‌ای «ماجرای سیگنال گیت» را علت اصلی کنار گذاشتن او

عباس آخوندی در گفت‌وگو با «اعتماد»
از مذاکرات و چشم‌اندازهای پیش رو می‌گوید

اهمیت زمان توافق
اگر امروز توافق کنیم بهتر از فردا است

اینک نیز مایک والتز بسان پیشینانش قربانی شده و در سرلیست خروجی‌های دولت دوم ترامپ قرار گرفته است. این در حالی است که مقام‌های رسمی ایالات متحده تاکنون در خصوص علت برکناری والتز، موضع گیری رسمی و روشنی ارائه نکرده‌اند. باین حال، برخی منابع رسانه‌ای «ماجرای سیگنال گیت» را علت اصلی کنار گذاشتن او

تیزر اول

مارکوریو؛ وزیر خارجه‌ای
در مسوولیت کسینجر؟

علی‌آهنگر

مارکوریو، سیاستمدار کوبایی تبار امریکایی اکنون به جایگاهی رسیده که تنها یک چهره در تاریخ ایالات متحده پیش از او تجربه‌اش کرده بود: تصدی هم‌زمان وزارت خارجه و مشاور امنیت ملی. این جایگاه پیش‌تر تنها در اختیار هنری کسینجر، فیلسوف-دیپلمات قرن بیستم قرار داشت، اما آیا رویو می‌تواند ادامه‌دهنده راه هنری کسینجر باشد؟ کسینجر با نگاه واقع‌گرایانه‌اش به سیاست خارجی، قرن بیستم را به اواز بلند خود پیوند داد. او استاد دانشگاه، نظریه پرداز واقع‌گرای سیاسی، طرفدار دیپلماسی پشت پرده و سازش‌های اهری در جهت منافع ملی امریکاراقیبان بود. بر خلاف او، مارکوریو چهره‌ای نوحفاظله کار است. ستاوتوری جمهوری خواه با باور به مقابله تهاجمی با رقیبان ژئوپلیتیک، کسی که سیاست را از درهای بسته به صحنه‌های رسانه‌ای می‌آورد. دیپلماسی آنه با دیپلمات‌ها، بلکه با ماجرایی تلویزیونی پیش می‌برد. نوحفاظله کاران به جنگ باور دارند نه به صلح. به قدرت نظامی عقیده دارند نه به گفت‌وگو. امریکارانه یک کشور بلکه «یک ماموریت تاریخی» برای رهبری اخلاقی و سیاسی جهان می‌دانند. دفاع بی‌چون و چرای آنان از امنیت اسراییل و بی‌اعتمادی‌شان به نهادهای بین‌المللی، همچون شاخصه‌ای فکری در جریان‌شان تکرار می‌شود. دیک چنی و دونالد رامسفلد در دهه ۲۰۰۰ و اکنون مارکوریو، هر دو از چهره‌های شاخص این جریان‌اند. در گفت‌وگو با بهتر بگویم در مذاکره اخیر تلویزیونی‌اش با شبکه فاکس نیوز، رویو فهرستی بلندبالا از رزوه‌های خود درباره ایران را بیان کرد تا جایی که حتی هتجارهای پذیرفته شده بین‌المللی مانند مقررات پیمان ان‌پی‌تی و واقعیت‌های جاری جهانی را نادیده گرفت. او متکر حق غنی‌سازی صلح‌آمیز شد؛ حقی که طبق همین پیمان، به کشورهای عضو از جمله ایران اعطا شده است. کشورهایی چون کانادا، برزیل، آرژانتین، هلند، آلمان، ژاپن و کره جنوبی نیز بدون برنامه تسلیحاتی، از این حق برخوردارند. او با نادیده گرفتن این کشورها اظهار داشت که ایران تنها کشوری در جهان است که...

اگر از مسوولان یا ادارات و سازمان‌های کشور سوال دارید به این شماره پیامک کنید

شماره پیامکی
ایمیل

اگر در محل کار خود یا در ارتباط با کارهایتان در سازمان‌های مختلف با مشکل روبه‌رو شده‌اید گلیه‌های خود را در اینجا مطرح کنید. روزنامه اعتماد در خدمت مردم عزیز ایران است، ما را یاری کنید که بیشتر پرسشگر باشیم.

یادداشت‌ها

۱ احمد مازنی
اهداف انقلاب
اسلامی از نگاه
بنیان‌گذار (۱۳)

۱ علی‌آهنگر
مارکوریو
وزیر خارجه‌ای در
مسوولیت کسینجر؟

۱۱ علی‌ودایع
ایران و دیپلماسی
ترامپ

۱ شهردار شاهرخی طهرانی
نقش کارگران
در جامعه

۱ محمدعلی غیبی
درباره صنعت
بازی‌های
ویدیویی

۱۲ بهروز مریانی
تهران
شهر دانشگاهی؟

۹ کیومرث کرمانشاهی
موضوع انتخاب
رایزنان بازرگانی

۱۲ رویاصدر
فروشگاهی
مدرن در شهری
کم‌آشنا

۸ الهام یارساتیا
سایه‌سنگین
بی‌قانونی بر سر
رفع سوءاثر چک

۶ شاهرخ حامی
هنر-صنعتی
رو به خاموشی

۷ مهدی نوریان
نگاهی انتقادی به
جامعه‌شناسی
عرف‌گرا

۶ مصطفی محمدی
خنبیگران شام
و حجاز و...

۱۲ تیتر مصور | روز جهانی آزادی رسانه
دی آنجلس



روزنامه اعتماد

روزنامه تعادل

اعتماد آنلاین

سینما اعتماد

سایت جنایی

راهبرد

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندر کاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله الحرام:

هیچ منفعتی برای امت اسلامی بالاتر از اتحاد نیست



رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار دست‌اندر کاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله‌الحرام، هدف پروردگار از مقرر کردن فریضه حج را ارائه الگویی کامل و جهت‌دهنده برای اداره بشریت خواندند و افزودند: تر کیب و هیات ظاهری این فریضه، کاملاً سیاسی و محتوای اجزای آن کاملاً معنوی و عبادی است.تامنافع همه‌بشریت تامین‌شود.امروز بزرگ‌ترین منفعت امت اسلامی «اتحاد و هم‌افزایی» برای حل مشکلات جهان اسلام است که اگر این اتحاد بود، مسائلی چون غزه و یمن رخ نمی‌داد. حضرت ایت‌الله خامنه‌ای در آغاز سخنان‌شان با تسلیت مجدد به خانواده‌های جان‌باختگان حادثه‌حققت‌اتلخ‌بندر عباس، برای این هموطنان و خانواده‌های آسیب‌دیدگان صبر و آرامش مسئلت و تاکید کردند: پروردگار در مقابل صبری که انسان در حوادث گوناگون از خود نشان می‌دهد، اجری هزاران برابر بر ارزش تر به او عنایت می‌کند. ایشان آسیب‌دیدن دستگاه‌ها در حوادث طبیعی و غیرطبیعی را به‌مدت‌تلاش و توانایی دیگر دستگاه‌ها، قابل جبران دانستند و افزودند: آنچه دل انسان را می‌سوزاند، «خانواده‌های عزیز از دست داده» هستند که این حادثه را به مصیبتی‌سرای ما و همه تبدیل کرد. رهبر انقلاب در ادامه سخنان‌شان، معرفت و شناخت اهداف و ابعاد مختلف حج را برای زائران بیت‌الله، مقدمه‌ادی صحیح این فریضه بسیار مهم خواندند و با استناد به آیات متعدد قرآن کریم افزودند: استفاده از تعبیر «ناس» در بسیاری از آیات مرتبط با حج نشان می‌دهد پروردگار این فریضه را برای اداره امور همه مردم «نه فقط مسلمانان» مقرر کرده است؛ بنابراین هرگز آری در سطح حج، خدمت به بشریت است. ایشان در تبیین نکات شناختی حج، آن را تنها فریضه‌ای خواندند که شکل و ترکیب صدرصد سیاسی است؛ چراکه مردم را هر سال در یک مکان و زمان واحد پروردگار اهداف خاص گرد هم می‌آورد که نقش این کار ماهیت سیاسی دارد. حضرت ایت‌الله خامنه‌ای افزودند: در کنار شکل و ترکیب سیاسی حج، محتوای اجزای آن صدرصد معنوی و عبادی است و هر کدام اشارهای نمادین و درس‌آموز به مسائل و ضروریات گوناگون زندگی بشر دارد. ایشان در تبیین این نمادها، درس «طواف» را ضرورت گردش حول مسجد و مرکزیت توحید خواندند و افزودند: طواف به بشریت می‌آموزد که حکومت، زندگی، اقتصاد، خانواده و همه مسائل زندگی باید حول توحید نباشد که در این صورت، دیگر از این فسادات‌ها، کودک‌کشی‌ها و زیاذه‌خواهی‌ها خوری نخواهد بود و دنیا گلستان می‌شود. رهبر انقلاب «سعی بین صفا و مروه»، اشارهای به این ضرورت دانستند که انسان باید مدام بین کوه مشکلات تلاش کند و هیچ‌گاه متوقف، معطل و متحیر نماند.

حضرت ایت‌الله خامنه‌ای «حرکت به سمت عرفات و مشعر و مناه» ادرسی برای حرکت دائم و پرهیز از سکون دانستند و افزودند: قربانی نیز اشاره، نمادین به این حقیقت است که انسان گاه باید از عزیزترین کسان خود بگذرد، قربانی بدهد یا حتی قربانی شود. ایشان «می‌می‌جرات» را تاکید پروردگار بر این نکته خواندند که انسان باید شیاطین جن و انس را بشناسد و هر جا شیطان را یافت، بزند و بکوبد. رهبر انقلاب «پوشیدن لباس احرام» را هم نشانه خشوع و یکسان‌سازی انسان‌ها در مقابل پروردگار بر شمرده و افزودند: همه این اعمال جهت‌دهی به زندگی بشریت است. رهبر انقلاب با استناد به آیای از قرآن کریم، هدف «جتماع» حج را درک و دستیابی به انواع منافع انسانی خواندند و گفتند: امروز هیچ منفعتی بالاتر از اتحاد برای امت اسلامی وجود ندارد و در صورت وجود اتحاد و هماهنگی و هم‌افزایی امت اسلامی، فجاج کنونی در غزه و فلسطین اتفاق نمی‌افتد و یمن این گونه تحت فشار قرار نمی‌گیرد. ایشان جدایی و تفرقه‌های اسلامی را زمینه‌ساز تحمیل منافع و استثمارگران از ملت‌ها دانستند و افزودند: با اتحاد امت، امنیت و پیشرفت و هم‌افزایی کشورهای اسلامی و کمک‌های آنها به یکدیگر ممکن می‌شود و به فرصت حج باید به این چشم نگاه کرد. حضرت ایت‌الله خامنه‌ای نقش و وظیفه دولت‌های اسلامی به‌خصوص دولت مهماندار در تبیین حقیقت و اهداف حج را بزرگ و بر جسته دانستند و گفتند: مسوولان کشورها، علما و روشنفکران، نویسندگان و افراد تاثیر گذار بر افکار عمومی موظفند حقایق حج را برای مردم تبیین کنند. پیش از بیانات رهبر انقلاب، حجت‌الاسلام سیدعبدالله‌فتح‌نواب، نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی، شعار حج امسال را «حج؛ سلوک قرآنی، همگرایی اسلامی و حمایت از فلسطین معلوم» برشمرد و بر نامه‌های این نهاد را برای حج‌گزاران در سال جاری تذکره کرد. آقای بیات، رئیس سازمان حج و زیارت نیز در گزارشی گفت: امسال ۸۶ هزار ایرانی در قالب ۵۷۴ کاروان از ۳۳ ایستگاه پروازی به سرزمین وحی مشرف خواهند شد. «انجام ۲۱۰ هزار عمره مفرده در ۸ ماه گذشته»، «افزایش بهروری نیروهای ستادی و خادمان حجاج»، «تخصیص ۲ کاروان برای ایرانیان خارج از کشور در حج امسال» و «امادگی کامل کارگزاران و خادمان حج برای خدمت‌رسانی هرچه بهتر به حاجیان ایرانی» از جمله محورهای سخنان مسوولان حج در ابتدای این دیدار بود.

مهدی بیک اوغلی

این روزها دستیابی به تحلیل‌هایی عمیق‌تر درخصوص مذاکرات، واجد اهمیت و ویژه‌ای است. ارزیابی‌هایی که با واکاوی تاریخی و تحلیلی موضوع مذاکرات از لایه‌های سطحی و کلیشه‌ای به لایه‌های درونی‌تر گفت‌وگوهای ایران و آمریکا رسیده و آن را در قالب بسته‌ای تحلیلی در اختیار مخاطبان قرار دهند. گفت‌وگو با عباس آخوندی از این دست تحلیل‌های متفاوت است. آخوندی که تجربه مذاکره با اروپایی‌ها را در جریان خرید هواپیماساز ایران و مذاکره با امریکایی‌ها را در گفت‌وگوهای مرتبط با خرید بوبینگ دارد در این مصاحبه تلاش کرده تفاوت مذاکره دو جانبه با امریکا را با مذاکره در قالب ۱+۵ تحلیل کند. آخوندی مساله زمان را در مذاکرات کلیدی دانسته و معتقد است ایران باید نهایت استفاده را از زمان داشته باشد.

■ **شما پس از پایان دور دوم مذاکرات ایران در امر اشاره کردید گویی زمان برخی از اتفاقات مهم تاریخی پیداز راه برسد تا عینیت پیدا کنند. در مورد این برهه تاریخی بفرمایید چه اتفاقی رخ داده که از منظر شما زمان تصمیم‌سازی در مورد این موضوع خاص رسیده؟**

معمولاً اتفاقات بسیار مهم تک‌عاملی نیستند و باید عوامل متعددی دست به‌دست هم‌دهند که یک اتفاق بزرگ تاریخی رخ بدهد. وقوع انقلاب اسلامی و متعاقب آن درگیری‌ای که از جهت سیاسی بین ایران و آمریکا رخ داد و قطع روابط ایران و آمریکا، پدیده بسیار مهمی در قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ بود. در حال حاضر شاهد هستیم در آستانه یک توافق و حل‌وفصل همه‌جانبه‌این منازعه هستیم. اما اینکه چرا از نظر من واقعه تاریخی است؟ باید از منظرهای مختلف به این موضوع نگاه شود. نخست لازم است از منظر امریکانگاه کنیم، برای آمریکا مداخله در کشورهای مختلف و حضور نظامی در منطقه تقریباً یک مساله پذیرفته شده بود. لذا شاهد مداخله آمریکا در سال ۲۰۰۱ در افغانستان، ۲۰۰۳ در عراق و ۱۹۹۰ در کویت هستیم. آمریکا تصور می‌کرد اگر جریان‌های منطقه بر وفق مرادش پیش نرود، می‌تواند با مداخله نظامی منطقه، تحت تأثیرات خود، قرار دهد و نظریه و تئوری ملت‌سازی و دولت‌سازی برای آمریکا یک نظریه پذیرفته شده بود. هزینه‌های امریکادر افغانستان ۲۶ تریلیون دلار بود. نهایتاً هم با دست خالی از افغانستان خارج شد. همین‌طور ۲۲ سال است که آمریکا در عراق مداخله کرده و عراق هنوز به آرامش و امنیت خودش نرسیده. آمریکا هنوز هم مجبور است در عراق هزینه کند. به نظر من این اتفاقات آمریکا را به این نتیجه رسانده که مداخله کار بسیار پرهزینه‌ای است. حتی در مقطعی آمریکا به این نتیجه رسیده بود که از منطقه خارج شود که در ادامه این ایده تغییر کرد. اما استراتژی مداخله در آمریکا یک استراتژی شکست‌خورده است، به همین دلیل است که امروز آمریکا دنبال حل‌وفصل مساله ایران به روش غیرنظامی است. هر چند ممکن است اعلام کند که گزینه جنگ و اقدام مسلحانه روی میز است، اما تصور من این است که آمریکا یا به هیچ‌وجه به سمت اقدام نظامی نخواهد رفت یا آن اقدام در آخرین لحظه و در بدترین و سخت‌ترین شرایط اتخاذ خواهد شد. با آمدن ترامپ و ایده جنگ تجاری، رییس‌جمهور آمریکا خودش را درگیر جبهه‌های بسیار مختلفی کرده است. درگیری با چین برای امریکادرگیری ساده‌ای نخواهد بود و حتماً بر کیفیت زندگی و اقتصاد ملت امریکا اثر خواهد گذاشت. بنابراین امریکافاعل‌شمارخواست به این سمت می‌رود که چگونه بتواند داخل امریکا را با توجه به فضایی‌ای جنگ تجاری و میزان نفوذی که چین در اقتصاد امریکا دارد، ساماندهی کند. چین سالانه چیزی حدود ۶۰۰ میلیارد دلار به امریکا صادرات داشته که این معنارامی‌دهد که توانسته در چهار دهه، ملت امریکا را جهت‌عرضه کالاهای مختلف از ان قیمت اقدام کند. اما با تصمیمات ترامپ در حال حاضر آمریکا با تانکه جدی مواجه شده، بنابراین امریکادنبال ایجاد جبهه جدیدی نخواهد بود.

■ **از منظر ایران این مذاکرات چه معنایی دارد؟** حال بیایید، موضوع را از دریچه ایران ببینیم؛ افکار عمومی در ایران کاملاً به این نتیجه رسیده که امکان دستیابی به توسعه در عین منازعه با بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان ممکن نیست. رشد کشورهای همسایه در جنوب خلیج فارس، ترکیه و جاهای دیگر، برای ملت ایران یک سوال بسیار مهم است. اینکه چرا راه ایران‌پایین است و چرا ما مشکل رفاه داریم؟ شاید برای اولین‌بار است که ایران آگاه نسبتاً گسترده‌ای را در تمامی سطوح سیاسی ایران شاهد هستیم که تمایل دارند مذاکره صورت بگیرد و منازعه به نحوی مدیریت و حل‌وفصل شود. اواخر دوره اوپاما، سیاست امریکامبنی بر این بود که نهایتاً ماوریت کنترل منطقه را به اسرائیل بدهد. به همین خاطر سیاست عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه و اسرائیل در دستور کار قرار گرفت برخی کشورها مثل بحرین و امارات متحده پیش‌تاز این امر بودند و در این زمینه بحث‌های محرمانه و مخفی هم با عربستان سعودی در حال انجام بود. بعد از حادثه ۷ اکتبر معلوم شد این سیاست هم کار نمی‌کند و به همین خاطر کشورهای منطقه به این نتیجه رسیدند که حتی اگر بخواهند با اسرائیل عادی‌سازی روابط داشته باشند، نهایتاً به یک امنیت پایدار دسترسی پیدا نمی‌کنند و اگر هم امنیتشان نهایتاً دچار تعرض قرار بگیرد، امکان اینکه کشوری مثل امریکا از بیش از چندین هزار کیلومتر آن طرف امنیتشان را تأمین کند وجود ندارد، بنابراین باید استراتژی کاهش ریسک را انتخاب کند تا استراتژی دفاع را. یعنی اگر اول عربستان سعودی و کشورهای منطقه به فکر این بودند که ما ریسک‌های بزرگ بر می‌داریم، ولی آماده



عباس آخوندی در گفت‌وگو با «اعتماد» از مذاکرات و چشم‌اندازهای پیش روی می‌گوید

اهمیت زمان توافق

اگر امروز توافق کنیم بهتر از فرداست

می‌شویم که از خودمان دفاع کنیم و در این دفاع آمریکا متحد و پشتیبان امنیتی ماست. الان به این استراتژی رسیدند که اساساً باید ریسک تهاجم به خودشان و ریسک وقوع ناامنی در منطقه را کاهش بدهند، بنابراین یک استراتژی دیگری را انتخاب کردند. بخشی از این اتفاق به دلیل تحولانی است که در کشورها رخ داده، در هر صورت نسل گذشته کشورهای منطقه رفته‌اند. عربستان سعودی کشوری بود که باایدئولوژی وهابی در پی حمایت گسترده از جریانات تندرو اسلامی بود و نهایتاً طالبان، القاعده و این‌طور حرکت‌ها هنگام زایش‌شان توسط عربستان حمایت می‌شدند. الان نسل جدیدشان به سمت یک استراتژی سکولار پیش می‌رود. براساس آن نظریه وهابیت را کنار گذاشته‌اند. اگر قبلاً در منطقه جریانات افراطی داشتیم که از اخوان المسلمین در منطقه حمایت می‌کرد، امروز تقریباً تمام آن جریانات با شکست مواجه شده‌اند. به همین خاطر است نگاه کشورهای منطقه هم بیش از اینکه نگاه دفاعی باشد، نگاه کنترل ریسک و کنترل مخاطره قبل از وقوع حادثه‌است. بنابراین مجموعه

■ **اگر بگوییم هزینه مبادله بعد از شروع تحریم‌ها حدود ۲۵-۲۰ درصد تجارت ایران است و اگر کل جمعیت تجارتی ایران را ۱۵۰-۱۴۰ میلیارد دلار در سال در نظر بگیریم، ۲۵ درصدش رقم بسیار قابل توجهی است و حدود ۳۶-۳۵ میلیارد دلار در سال است**

■ **اسرائیل حتماً از انجام مذاکرات ناراضی است. حالا که موفق نشد مذاکرات را متوقف کند، حتماً در فرآیند تحقق آن سنگ‌اندازی می‌کند. از جنگ‌های روانی گرفته تا حتی ممکن است برخی افراد را ترسوز کرده و جنگ‌های سایبری را شروع کند**

■ **افکار عمومی در ایران کاملاً به این نتیجه رسیده که امکان دستیابی به توسعه در عین منازعه با بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان ممکن نیست.**

شرایط دست به‌دست هم داده، یک عامل نیست. اتفاقاتی در داخل ایران رخ داده و ایران به اجماع رسیده. اتفاقاتی درون امریکا رخ داده و امریکا تا حد زیادی استراتژی مداخله نظامی را کنار گذاشته. اتفاقاتی در منطقه و کشورهای جنوب خلیج فارس رخ داده که اساساً دنبال کاهش ریسک و راهی برای همزیستی مسالمت‌آمیز هستند. به نظر من همه این اتفاقات آن لحظه تاریخی را فراهم می‌کنند که در آن لحظه ۴۸ سال در بین ایران و امریکا ادامه داشته، می‌تواند به حل‌وفصل باثباتی برسد.

■ **تجربیات مختلفی را در مورد مذاکره با آمریکا پشت‌سر گذاشته‌ایم. از سال‌های ابتدایی انقلاب که بحث مذاکرات مرتبط با آزادسازی گروگان‌ها در دولت آقای بازرگان شکل می‌گیرد و پس از آن ماجرای مک‌فارلین در دولت آقای ریگان در دهه ۶۰ را داریم. بعد از آن ماجراهای تلاش دولت اصلاحات برای توسعه مناسبات ارتباطی با جهان و هم‌زمان با دولت آقای کلینتون، بعد هم بحث‌های مرتبط با برجام سلسله تجربیاتی در ایران در اثر این رخدادها شکل گرفته. آیا شاهد بلوغی در این زمینه در نظام سیاسی کشورمان هستیم؟ یعنی با پشت‌سر گذاشتن این شرایط احساس می‌کنید بلوغی در مواجهه با این پدیده در حال شکل گرفتن است؟**

در هر صورت در دوره‌های مختلفی که ذکر کردید،

شود. از نظر سیاسی هم بسیار پیچیده بود چون باید هم‌زمان باشش قدرت جهانی، با خواسته‌ها، رویکردها و منافع مختلف مذاکره می‌کردیم. نهایتاً با سازمان بسیار پیچیده‌ای مواجه بودید که نظام اداری آمریکا و شش کشور بود. از نظر من مذاکرات برجام بسیار دشوار بود. الان که مذاکره می‌کنیم، یکسری حقوق به‌دست آورده‌ایم، از ذیل ۷ منشور بیرون آمده‌ایم فقط با یک کشور در حال مذاکره هستیم، تفاوت این کشور با دولت قبلی این است که آن بر مبنای اجماع کار می‌کرد و این دولت بر مبنای تفرقه در جهان وقتی بر مبنای تفرقه کار می‌کند در واقع برای شش فضای برای نفس کشیدن ایجاد می‌کند که نکته بسیار مهمی است. وقتی هیچ فضای نفس کشیدن نداشتید و الان کلی فضای نفس کشیدن دارید که نکته بسیار مهمی است. این کشور داوطلبانه نظام اداری خودش را کنار گذاشته و با منطق تجاری با شما مذاکره می‌کند. توافق در نظام منطق تجاری خیلی سهل‌الوصول‌تر و آسان‌تر به‌دست می‌آید تا وقتی که قرار باشد با منطق امنیتی و سیاسی مذاکره کنید. نکته سوم اینکه در امریکاهم به

■ **اتفاقاتی در داخل ایران رخ داده و ایران به اجماع رسیده. اتفاقاتی درون امریکا رخ داده و امریکا تا حد زیادی استراتژی مداخله نظامی را کنار گذاشته. اتفاقاتی در منطقه و کشورهای جنوب خلیج فارس رخ داده و. به نظر من همه این اتفاقات زمینه تحقق آن لحظه تاریخی را (توافق) فراهم می‌کنند**

■ **استراتژی مداخله در امریکا یک استراتژی شکست‌خورده است، به همین دلیل است که امروز امریکا دنبال حل و فصل مساله ایران به روش غیرنظامی است**

این نتیجه رسیده‌اند که مداخله دیگر به نفعشان نیست و به نفعشان است که مذاکره کنند، بنابراین در مجموع می‌توانید نسبت به مجموعه روندی که در حال انجام است خوشبین‌تر باشید.

■ **باین توضیحات اگر اشتباه نکنم شما ترامپ را برای ایران یک فرصت می‌دانید تا تهدید.**

ترامپ یک فرصت است اگر منطقه‌ش را بفهمید و در زمان مقتضی عمل کنید. این‌طور افراد چون تا حد زیادی کیش شخصیت دارند و شخص خودشان برایشان خیلی خیلی مهم است، بنابراین شناخت این کیش شخصیت مهم است. آقای ویتکاف مصاحبه طولانی‌ای با آقای کارلسون دارد و می‌گوید به ترامپ گزارش که می‌دهی، آن را داخل سطل آشغال می‌اندازد. (ویتکاف معتقد است) تو باید بفهمی، ترامپ چه می‌گوید. ترامپ تجربه سی‌ساله خودش را به عنوان کارگزار اقتصادی به کار می‌گیرد و به طرف مقابل می‌گوید: «تو چه می‌خواهی، چقدر حاضری بپردازی، تا کجا کوتاه می‌آیی، در چه منطقه‌ای و با چه شرایطی می‌خواهی و در چه شرایطی معامله را به هم می‌زنی.» می‌گوید من در مورد ایران با ترامپ صحبت کرده‌ام که تو از ایران چه می‌خواهی؟ این نگاه خیلی فرق دارد با یک نگاه صدرصد سیاسی امنیتی اوپاما یا باین که در نظام‌های امنیتی رشد کرده‌اند. خط قرمزها را هم که پرسیده ترامپ گفته «از ایران می‌خواهم که سلاح هسته‌ای نداشته باشد بنابراین اگر تکلیف من روشن است. به نظر من یکی از دلایل

مثبت بودن این موقعیت، این است که شما دور میزی بنشینید که طرفین بدانند چه می‌خواهند و قرار نیست برای مدت بی‌نهایت مذاکره کنند. البته ترامپ فردی نیست که بخواهد تأیید مذاکره کند.

■ **یعنی زیاد منتظر نمی‌ماند؟**

این فرد منتظر بمان نیست، بنابراین به نظر من زمان به ضرر ماست.

■ **در این دوره از مذاکرات.**

بله، اگر در دوره قبلی زمان به نفع ما بود، قطعاً این دوره به ضرر ماست. اگر امروز توافق کنیم بهتر از فرداست چون فضای نامعنی که نهادها کمتر درگیر هستند و اشخاص به جای نهادها تصمیم‌گیری می‌کنند نظر اشخاص می‌تواند خیلی سریع تغییر کند، بنابراین باید بتوانیم در زمان کوتاه مذاکره را ببندیم.

■ **اشاره کردید که ترامپ بر خلاف روسای جمهور قبلی با منطق ملموس تجاری گفت‌وگو می‌کند. برخی تحلیلگران معتقد هستند برای استمرار توافق، ایران باید سعی کند مناسبات تجاری و اقتصادی خاصی را با ترامپ مدل ۲۰۲۵-۲۰۲۴ طراحی کند. در واقع امریکا در پروژه‌های اقتصادی کشورمان باید مشارکت داشته باشد. موضوعی که در تجربه گذشته باعث خروج ترامپ از برجام شده بود این منطق تجاری را چطور می‌توان در راستای منافع ملی به کار گرفت که هم توافق احتمالی استمرار داشته باشد و هم ترامپ مشوقی داشته باشد برای اینکه همکاری با ایران را گسترش دهد.**

اساساً بخش عمده‌ای از منطق دیپلماسی در قرن ۲۱ به زمینه‌سازی برای فعالیت اقتصادی بر می‌گردد بنابراین ژئواکونومی بر ژئوپلیتیک غلبه دارد. در ایران فضای سیاسی ما و دنیای سیاسی ما به‌شدت تحت تأثیر سیاست است. حال اینکه دنیای سیاسی امریکا و اروپا و بسیاری از کشورها حتی چین تحت تأثیر اقتصاد است، اینکه اقتصاد بسیار مهم است حرف کاملاً درستی است. از طرف دیگر به این بحث هم حواسمان باشد که اقتصاد در یک ظرفیت نهادهای کار می‌کند نه ظرفیت شخصی. اینکه تصور کنیم چون اقتصاد مهم است، مثلاً شخص ترامپ باید منافع تجاری پیدا کند، کمی خام است.

■ **حتی در مورد دولت امریکاهم می‌توان همین را گفت.**

بله، منظور اینکه بازار ایران و امریکا به روی هم باز شود. اگر موفق شویم به توافق برسیم، اولین بحث قبل از بحث‌های سرمایه، مبادلات مالی است که بتوانیم پول بدهیم یا بگیریم.

■ **یعنی به FATF هم احتیاج داریم.** بله. ما کمتر بانکی داریم که از نظر مقررات بین‌المللی ظرفیت و صلاحیت برای مبادلات مالی حتی با بانک ژاپن را نداشته باشند، بنابراین بحث من این است که اقتصاد بسیاری از کشورها به اقتصاد ما وابسته است. سرمایه‌گذاری شخص ترامپ در ایران تنزل ندهیم. این حرف به نظر من گراف وی‌می‌نباست. برای ما مهم است که بلافاصله نهادهای اقتصادی و سیاسی مستقر شوند و رابطه، نهادهای باشند، بانک‌ها بتوانند با هم کار کنند. باید بتوانیم کالا مبادله کنیم. ایران بتواند به امریکا صادرات داشته باشد و برعکس. بنابراین دسترسی به بازارهای دو طرف مساله بعدی ماست. مورد بعدی امکان خرید تکنولوژی و تأمین مالی است. شما پروژه دارید و باید بتوانید در سطح بین‌المللی تأمین مالی کنید. آخرین مرتبه این است که اگر ریسک‌های سرمایه‌گذاری مرتفع شود، امکان سرمایه‌گذاری ایرانیان در امریکا و امریکایی‌ها در ایران فراهم شود. ■ **فکر می‌کنید قفل سفارت امریکا که از سال ۵۹ بسته شد، باز خواهد شد؟**

اینکه چه زمانی اتفاق بیفتد نمی‌دانم اما اگر مدیریت منازعه کرده‌اید، چرا نباید ارتباط داشته باشید. دو کشوری که هر دو عضو سازمان ملل هستند و براساس مقررات بین‌المللی هم‌دیگر را به رسمیت شناخته و توانسته‌اند منازعاتشان را مدیریت کنند قاعدتاً روابط باید از یک سطحی شروع شود. حالا اینکه اول از کار داری باشد و بعد به سفارت برسد، بحث‌های فنی است که مسوولان وزارت خارجه باید انجام دهند، اما قطعاً یک روز باید این موضوع حل شود. اینکه من می‌گویم باید به روابط نهادهای بزرگ‌دیم همین است. نمی‌توان همواره شخصی ارتباط داشت. نهایتاً باید نهادهای ارتباط داشته باشند. نهاد دولت ایران با نهاد دولت امریکا باید بتواند ارتباط برقرار کند.

■ **این روزها با رهبر ایرانی در گفت‌وگوهای گاه‌به‌گاه صحبت می‌کنیم، هر چند نسبت به دورنمای مذاکرات خوشبین هستیم، اما نگرانی پس ذهن رهبر ایرانی در مورد متغیرهای ناخواسته و عوامل تندرو در چنین بزنگاه‌هایی ورود کرده و مذاکرات را دچار اختلال می‌کنند و تقاضای احتمالی را برهم می‌زنند وجود دارد. حتی اگر زمینه‌های توافق کاملاً فراهم باشد خیلی‌ها ترس از این دارند که در مراحل آخر اتفاقی بیفتد که این شرایط را به هم بزنند. در مورد مخالفان توافق بفرمایید که به نظر تان چقدر صد‌مخالف هستند و تا چه حد می‌توانند در این حوزه موثر باشند.**

بیرون ایران فعلاً می‌توان تصور کرد تنها رزمی که اسرائیل تمام تلاشش را کرد که این مذاکرات اساساً آغاز نشود، ولی بعد از تمام تلاش‌ها به این نتیجه رسید که امکان توقف مذاکرات را ندارد. یکی از دلایلی که می‌گویم شرایط برای توافق فراهم شده این است که اسرائیل هم علی‌رغم تمام لابی‌های قدرتمندی که در امریکا دارد، به این نتیجه رسید که زوروش نمی‌رسد و امکان متوقف کردن مذاکرات را ندارد، ولی اسرائیل حتماً از انجام مذاکرات ناراضی است. حالا که موفق نشد مذاکرات را متوقف کند، حتماً در فرآیند تحقق آن سنگ‌اندازی می‌کند و تلاش می‌کند توافق صورت نگیرد.

ادامه در صفحه ۱۱

سیمای پروانه گهر

در حالی که ابلاغ قانون حجاب و عفاف ذیل مصوبه شورای عالی امنیت ملی متوقف شده و در شرایطی که ارسال پیامک‌های مربوط به حجاب در اصفهان در یک سال گذشته با واکنش‌های زیادی همراه شده بود، این مساله به تهران رسیده و برخی زنان پایتخت خسر از دریافت پیامک‌های حجاب داده‌اند. پیامک‌ها مشخصاً از جانب ستاد امر به معروف و نهی از منکر تهران ارسال شده‌اند. ستادی با چهره‌های خبرساز در یک سال گذشته در تمامی غائله‌های ماه‌های اخیر از تجمع مقابل مجلس برای ابلاغ قانون حجاب تا تجمعات مخالفت با فیلتر رنگ و مطالبه حذف ظریف از دولت حضور پررنگی داشتند. به نظر می‌رسد جریان سیاسی که با انگیزه‌های مختلف سعی در فشار برای ابلاغ قانون حجاب و عفاف را دارد حالا بعد از ناکامی در ابلاغ این قانون سعی دارد تا با استفاده از نهادهایی که به نوعی ذیل نفوذ آنهاست اجرای چراغ خاموش این قانون را کلید بزند. فارغ از نیت این اقدام -اعم از باور ایدئولوژیک و سیاسی و دینی به کارایی این قانون یا تلاش برای افزایش نارضایتی‌ها از دولت در بین مردم با توجه به گرایش سیاسی مشخص ستاد امر به معروف تهران نسبت به سعید جلیلی - ارسال این پیامک‌ها با واکنش‌های فعالان سیاسی و رسانه‌ای نیز مواجه شده است. عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات با انتشار پیامک حجاب برای یک شهرنود تهرانی پرسیده است که آیا ستاد امر به معروف اجازه قانونی برای دسترسی به اطلاعات شخصی افراد را دارد؟ وی با انتشار این تصویر در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دوستان حقوقدان اظهار نظر کنند! آیا ستاد امر به معروف اجازه قانونی برای دسترسی به اطلاعات شخصی افراد را دارد؟ چه کسی اجازه دسترسی آنان را به شماره تلفن همراه اشخاص داده است؟ بگذارید مملکت آرام بماند!» اسماعیل گرمی مقدم، فعال سیاسی اصلاح طلب در رابطه با موضوع پیامک‌های عفاف و حجاب اظهار بی اطلاعی دولت از ارسال این پیامک‌ها در پاسخ به این سوال که وقتی شورای عالی امنیت ملی مصوبه قانون عفاف و حجاب را تصویب کرده، چرا یک نهاد پاسبان برای مردم پیامک ارسال کند و آیا این اظهار بی اطلاعی دولت می‌تواند در کاهش اعتماد جامعه به دولت تاثیر گذار باشد، گفته است «به نظر می‌رسد که ارسال این پیامک‌ها توسط ستاد امر به معروف خلاف بین قانون است، زیرا در کشور ما ساختاری وجود دارد که انسجام بخش کل تشکیلات حاکمیت است و اگر نهادهای بخواد خارج از این ساختار فراقانونی عمل کند، باعث نظم اجتماعی و آرامش فکری مردم را برهم خواهد زد.» گرمی مقدم با اشاره به اظهارات مسوولان دولت در این باره گفت: دولت به جای اینکه بگوید ما اطلاعی نداریم، باید ریشه و اصل و مرجع پیامک‌های که به این صورت ارسال می‌شود را بررسی کند. دولت دستگاه امنیتی دارد و اطلاعات لازم را در اختیار دارد. خود رئیس جمهور در شورای عالی امنیت ملی کرسی دارد و باید در آنجا پرسش کند و پاسخ بدهند که چرا چنین پیامک‌هایی بدون هماهنگی با نهادهای بالادستی برای افراد و اشخاص ارسال شده است. اشاره گرمی مقدم به واکنش فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت چهاردهم است. روز چهارشنبه دهم اردیبهشت فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره ارسال پیامک حجاب برای زنان عابر گفت: «من اطلاعی از این موضوع ندارم ولی پیگیری می‌کنم.» او همچنین به عنوان سخنگوی دولت تاکید کرد که «حجاب موضوعی فرهنگی و تربیتی است، با اقدامات سلبی نمی‌توانید به نتیجه برسیم. دولت قرار نیست مقابل مردم قرار بگیرد.» علیرضا عبداللهی نژاد، رئیس ویلای عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات هم در پاسخ به رضا ششپور در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «رایت حريم خصوصی و دفاع از حقوق شهروندی، همواره خط قرمز شخص وزير ارتباطات و مجموعه وزارت خانه بوده، هست و خواهد بود... شما بهتر می‌دانید ارسال این دست پیامک‌ها (مثل پیامک جرایم رانندگی) متولیان خود را دارد.» عباس عیدی، تحلیلگر مسائل سیاسی و اجتماعی در خصوص ارسال پیامک‌های حجاب در روزنامه اعتماد نوشت: «با چنین اقدامی در حمایت و اراده ساختار سیاسی انجام می‌شود یا عده‌ای خودسر دنبال بحران‌سازی هستند؟ اگر این سیاست با اراده دستور رسمی انجام می‌شود آیا به حال حکومت؟» او با اشاره به اینکه اکنون مطابق تبصره ماده ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی برای بر خورد با زنان وجود دارد، افزود: «البته این قانون منحصر به زنان مثلا بدحجاب و بدون روسری و... نیست، شامل همه زنانی می‌شود که حجاب شرعی را رعایت نمی‌کنند و قطعا می‌پذیرد که روزانه بیش از هزاران و حتی چند صد هزار زن را باید در کشور به این اتهام محاکمه و محکوم کرد.»

علی مجتهدزاده، وکیل دادگستری هم در پستی نوشت: «ستاد امر به معروف به دوربین‌ها و شماره تلفن شهروندان دسترسی ندارد. چرا ج باید توضیح بدهد که ماجرای این پیامک‌ها چیست و از طرف کدام نهاد ارسال شده است. اسم این کار تهدید است حتی اگر ظاهرش امر به معروف باشد.» در همین راستا محمد رضا جوادی یگانه، رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری گفته ارسال پیامک‌های حجاب، تکرار مسیری است که انتهای آن اعتراضات سال‌های گذشته است. این بار احتمالا شدت‌تر. او تاکید کرد: قانونی که برای مردم وضع می‌شود، باید با رضایت اکثریت آنها باشد. علی‌آذری سخنگوی کمیسیون حقوقی قضایی مجلس نیز در گفت‌وگو با ایلنا، بابیان اینکه موضوع حجاب یک موضوع فرهنگی و اعتقادی است، گفت: من سال‌ها در دستگاه قضا خدمت کردم و معتقدم ورود به حوزه فرهنگ با سوز و کيفر به هیچ عنوان پاسخگو نخواهد بود. آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات هم در واکنش به ارسال پیامک حجاب به شهروندان در ایکس نوشت: حق انتخاب سبک زندگی شهروندان ایران را به رسمیت بشناسید و دست از این اصرار مکرر بردارید. سال‌ها پافشاری بر این رویه چه نتایجی در داشته که باز هم آن را ادامه می‌دهید؟ این مناقشه ویرانگر را تمام کنید.

پیامک حجاب از کجا ارسال می‌شود؟

به نظر می‌رسد پیامک‌های هشدار حجاب توسط پلیس امنیت اخلاقی ارسال می‌شود، اما سیاست‌گذاری و ابلاغ آن به ستاد امر به معروف و نهی از منکر تهران بوده است. ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد، در گزارش‌های مربوط به اصفهان و تهران نیز مقامات ستاد امر به معروف به صراحت اعلام کرده‌اند که این پیامک‌ها در هماهنگی با پلیس و سایر نهادهای اجرایی ارسال می‌شوند. مشخص نیست که پیامک‌ها که مشخصاً از جانب ستاد امر به معروف و نهی از منکر ارسال می‌شود اجرای چراغ خاموش قانون حجاب است یا بخشی از آنچه در سال‌های گذشته به عنوان طرح «حجاب هوشمند» مطرح شده بود. فروردین جدید مجلس که امروز گزارش از آغاز اجرای طرح بر خورد با کشف حجاب به صورت هوشمند در کشور خبر داد و اعلام کرد که با پیامک‌های بخش‌های جناح اصولگر افاضله می‌زنند مشخص دارد هم به عنوان یکی از اصلی‌ترین منتقدان مسعود پز ششکيان و دولتش محسوب می‌شوند.

حضور اعضای فعلی با قبلی این ستاد در تجمعات و تحرکات سیاسی آن مشخص‌نشان داد که در این ستاد اتاق فکر و حتی بخش‌های عملیاتی علیه دولت و شخص مسعود پز ششکيان به شدت فعال است. اعضای ستاد به صورت کامل‌ا روشن، شناسنامه‌های سیاسی در تقابل با دولت فعلی دارند برخی از اعضای این ستاد چهره‌های حلقه سعید جلیلی، رقیب انتخاباتی مسعود پز ششکيان هستند که در زمان انتخابات در ستاد او نیز فعال بودند. برخی دیگر از اعضای آن عضو «تشکل شریان» جریان تازه تاسیس در اصولگرایان است که با دیگر بخش‌های جناح اصولگر افاضله می‌زنند مشخص دارد هم به عنوان یکی از اصلی‌ترین منتقدان مسعود پز ششکيان و دولت‌اش محسوب می‌شوند. بهمن ماه سال گذشته محمد حسین طاهری از کردی، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر در گفت‌وگوی باروز نامه فرهیختگان تاکید کرد که «موسس جریان شریان» است او بابیان اینکه «به موسس شریان بودن افتخار می‌کنند» تاکید کرد که «یک بخش از بدنه جوانان انقلابی، همه جوانان انقلابی را به سمت موضوعاتی مانند محیط‌زیست و هوش مصنوعی جمع کرده‌ایم و داریم کار می‌کنیم. بنده نه دبیر آن نیاهستم و نه به‌طور کلی عضوان. ایراد این کار چیست؟ من متوجه نمی‌شوم. خلاف قانون، خلاف شرع یا خلاف عقل است؟» طاهری از کردی خردادماه سال ۱۴۰۲ جایگزین سید محمد صالح هاشمی گلیاگانی شد که به

مدت ۲ سال دبیری این ستاد را بر عهده داشت. دوره‌ای پر حاشیه برای ستاد امر به معروف به دلیل موضع گیری‌ها و اظهارات جنجالی هاشمی گلیاگانی به خصوص در برهه زمانی خرداد‌های پاییز ۱۴۰۱ هاشمی گلیاگانی در زمان ارسال لایحه حجاب از قوه قضاییه دولت به مجلس و بررسی مفاد آن در اعتراض به کارایی این لایحه تهدید جلیلی، رقیب انتخاباتی مسعود پز ششکيان هستند که در زمان انتخابات در ستاد او نیز فعال بودند. برخی دیگر از اعضای آن عضو «تشکل شریان» جریان تازه تاسیس در داشتن ستاد امر به معروف از حواشی و تندروی‌ها گر چه گذر زمان نشان داد که تنها جابه‌جایی در این حوزه نام دبیر بوده است نه راه و مرام. رویکرد و نحوه فعالیت طاهری از کردی در ستاد امر به معروف قابل پیش‌بینی بوده عضویت در «هیات علمی گروه ادیان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قم» و ریاست مرکز آموزش مجازی این موسسه» آن هم با حکم مصباح‌یزدی را در کنار دوستی در پینه‌او با سید محمود نبویان از اعضای شاخص جبهه پایداری و البته شاگرد برجسته محمد تقی مصباح‌یزدی می‌تواند تصویر خوبی از دیدگاه‌های او عیان کند. طاهری از کردی در ماه‌های اخیر بی‌اعتنا به مصوبه شورای عالی امنیت ملی مبنی بر توقف ابلاغ قانون حجاب، بر ابلاغ این قانون پافشاری می‌کند و حتی بر اساس گزارش خبرگزاری فارس در نامه‌ای به محمد باقر قلی‌باغ خوستا شفافیت در علت ابلاغ نشدن این قانون می‌شود و از رویکردی که منجر



■ **به نظر می‌رسد پیامک‌های هشدار حجاب توسط پلیس امنیت اخلاقی ارسال می‌شود، اما سیاست‌گذاری و هماهنگی آن به‌طور مشخص در حوزه فعالیت ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد. مشخص نیست که پیامک‌ها که مشخصاً از جانب ستاد امر به معروف ارسال می‌شود، اجرای چراغ خاموش قانون حجاب است یا بخشی از آنچه در سال‌های گذشته به عنوان طرح «حجاب هوشمند» مطرح شده بود.** فروردین ماه سال گذشته فرا جاز آغاز اجرای طرح بر خورد با کشف حجاب به صورت هوشمند در کشور خبر داد و اعلام کرد که با پیامک‌ها به افرادی که کشف حجاب را در تذکر و اخطار می‌دهد. یک ماه قبل از آن نیز در اسفند سال ۱۴۰۱ بیژن نوباوه نماینده مجلس یازدهم طبق طرح و قانون جدید مجلس که امروز گزارش آن خوانده شد، قرار بر این است که تذکر حجاب به صورت هوشمند و غیر حضوری در دفعات صورت بگیرد. اشاره نوباوه مشخصاً به گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس از لایحه حجاب بود که به قانون تبدیل شد و البته در مجلس تغییراتی بسیار جدی داشته به شکلی که برخی و کلا و حقوق دان‌ها تذکر دادند اد اعمال تغییراتی چنین گسترده از اساس ماهیت لایحه را از بین برده و آن را به طرح تدوینی نمایندگان تبدیل می‌کنند.

■ **ستاد امر به معروف و نهی از منکر در استان تهران بعد از خرداد‌های پاییز ۱۴۰۱ با رسالت جدیدی پا به عرصه گذاشت. هم‌رو د آنها به مقوله آنچه کشف حجاب خوانده می‌شود هم سوگیری سیاسی اعضای آن، عزل و نصب‌های مربوط به این ستاد و البته فعالیت‌ها و حضوری که اعضای این ستاد در عرصه انتخابات داخلی داشتند، هویت جدیدی به این ستاد داد. حالا هم ستاد مشخص‌دار پیامک‌های پراپام حجاب برای شهروندان تهرانی نام خود را ذیل پیام قید می‌کند.**

مرور گرایش‌های سیاسی و عضویت اعضای آن در تشکل‌ها و حلقه‌ها و گفده‌های سیاسی نشان می‌دهد که این ستاد عمل از ماهیت حقوقی و عرفی خود فاصله گرفته و تبدیل به یک تشکل سیاسی شده است. تشکلی که هم اعضای آن از جمله ریاست این ستاد نهادار اصل داشته است.

زمین حوزه علمیه شدند هم اعضای که به انداز‌های با گزار و تابلو ستاد جلیلی علیه دولت پز ششکيان فعالیت کردند که خود ستاد بعضاً ناچار به عزل آنها شد. در ماه‌های اخیر هم‌زمان با برگزازی تجمعات مختلف در مورد موضوع حجاب با مطالبه برای مکرر پیام قید می‌کند.



عبدالله رمضان‌زاده سخنگوی دولت اصلاحات با انتقاد از ارسال پیامک‌های حجاب در تهران از دسترسی ستاد امر به معروف به شماره تماس شهر و ندان انتقاد کرده است



AP

تهران؛ شهر بی دفاع

ارسال پیامک‌های حجاب بعد از اصفهان در تهران، از جانب ستاد امر به معروف و نهی از منکر باز تاب زیادی داشته است. درباره این پیامک‌ها و ستاد امر به معروف تهران و سابقه سیاسی آن، چه می‌دانیم؟

به اجر انشدن قانون مصوب حجاب شده، انتقاد و در این زمینه مطالبه‌گری کرد. تاثیر دبیر بودن روحانی که نامش با موسسه امام خمینی در قم گره خورده، حکمش در این موسسه، رانیز از مصباح‌یزدی گرفته و در زمان دبیری ستاد امر به معروف به اینکه موسس و عضو شریان مفتخر است، در وضعیت این روزهای ستاد امر به معروف واضح دیده می‌شود. محمد رضا میر شمسی، معاون اجتماعی ستاد امر به معروف و نهی از منکر از چهره‌های مهم فعلی دیگر در ساختار این ستاد است. او بالغ بر ۱۰ سال رییس حراست شورای نگهبان بود و در بررسی صلاحیت کاندیداهای نمایندگی مجلس و دیگر سمت‌های سیاسی نقش فعالی داشت. بعد از آن رییس حراست دیوان محاسبات شد. در زمان انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، میر شمسی به عنوان رییس ستاد انتخاباتی امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی فعالیت کرد؛ در بیس ستاد انتخاباتی رقیب پز ششکيان، اینکه قایل توجه اینکه میر شمسی عضو شورای مرکزی و هیات موسس شریان نیز است. بنابراین به صورت دوبله پتانسیل فعالیت علیه دولت را دارد و این صندلی ستاد هم در اختیار چهره‌ای تان این اندازه سیاسی قرار دارد. میر شمسی ادبیات تندى در مسائلی که مخالف آن است، دارد. او سال گذشته در فضای مجازی در بار موضوع دست دادن مر ضیه بر و مند بار ضایک به تندى موضع گیری کرده و با ادبیاتی عجیب نوشته است: «در جشنواره فجر عجزوی با عجزوی‌ای دست داد و آن عجزو مطلب خوردن جگر آن عجزو را کرد. شاید عادت این افراد همین بوده‌ا اما یا قصدشان این نبود که قبیح

هر زگی محافل خصوصی‌شان را در یک بر نامه رسمی و عمومی بشکنند.» پیش از آن نیز شمسى بی‌حجابی را عامل «لودگی شهرها» و تهدید کننده «بنیان خانواده» خوانده بود. میر شمسى چه‌را می‌بود که بعد از طرح ایده کلینیک ترک‌بی‌حجابی توسط مهری طالبی دارستانی - که در آن زمان عضو ستاد امر به معروف بود اما بعد از هتاکى به رییس دولت چهاردهم از این ستاد عزل شد - تلویحاً از این ایده حمایت کرد اما در عین حال همین ایده عجیب را به عنوان ایده برای دولت پهن کرد. او اندکی بعد از طرح موضوع توسط طالبی دارستانی فعالیت این کلینیک را به کرد. الفاظ به کار برده توسط طالبی دارستانی به دیگر‌های تند بود که به برگزازی او از ستاد امر به معروف و عذرخواهی این ستاد منجر شد. عزل طالبی دارستانی او را در انتقاد از دولت صریح تر کرد. وقتی در تجمع برگزار شده علیه ظرفیت حجاب در مقابل پاسنور شرکت می‌کند و بر اساس گزارش روزنامه همپهن حتی نویسنده بیانیه این تجمع است، بیانیه‌ای که به قلم طالبی دارستانی در آن گفته شده است که «این حرکت مطالبه‌گرانه، بر مبنای اظهار نظر صریح ریاست محترم مجلس منجر به غیر قانونی بودن انتصاب جناب آقای طاهری در سمت رییس شورای راهبردی دولت چهاردهم و همچنین ادعاهای بحق آقای پز ششکيان مبنی بر قانون‌مداری شکل گرفته است؛ از آنجایی که آقای ظرفیت مغایر بانص قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس قدس دولت را از مهمان وضعیت فعلی حجاب معرفی و بابیان اینکه «حمایت نهادهای نظارتی و مسوولان دولتی

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت چهاردهم از ارسال پیامک‌های حجاب در تهران ایراز بی‌اطلاعی کرد و وعده پیگیری این موضوع توسط دولت را داد

بسیار مهم است» تاکید کرد «متأسفانه در بعضی مواقع مشاهده می‌شود که مسوولان، در برخورد با موضوع حجاب یا سکوت کرده‌اند یا از آن غفلت کرده‌اند. مسوولان باید به طور جدی وارد عرصه شوند و حجاب را به عنوان یک مولفه مهم در سلامت اجتماعی مطرح کنند.»

حلقه سعید جلیلی

در ستاد امر به معروف و نهی از منکر

روح‌الله مومن نسب اگر تا همین سال گذشته با عنوان ایده پرداز بارداری با دو گیگ اینترنت و از چهره‌های اصلی طرح طرح صیانت شناخته می‌شد، حالا روزه مه‌ریزتری برای خود تدارک دیده است؛ عضو ستاد انتخاباتی جلیلی، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران و البته مسوول تولید محتوای شعارهای تجمعات برگزار شده علیه دولت، او تیرماه سال ۱۴۰۲ در تجمعی مقابل قوه قضاییه در اعتراض به وضعیت حجاب حاضر شد و با عینک آفتابی و اظهارات تندش در این تجمع در مرکز توجه‌اش قرار گرفت. وقتی که گفت: «اول که اینها- تحصن کنندگان - آمدند، آقایان گرفتند و برنزد، خب اگر اینقدر زور دارید، بروید زورتان را به طرف مقابل هم نشان بدهید! این بی‌حجابی‌ها یاد می‌کنند زور تان نرسید حسن روحانی را محاکمه کنید، زور تان نرسید آذری جهرمی را محاکمه کنید، زور تان نرسید این بی‌حجابی‌ها را جمع کنید زور تان نمی‌رسد فضای مجازی را جمع کنید؟ زور تان به چهار تانبروی انقلابی می‌رسد که شماروی صندلی‌ای نشست‌ه‌اید که اینها و فرزندان شان جان دادند و اگر اینها نبودند صندلی‌ای نبود که شماروی آن بنشینید.» او در ویدیوی کوتاهی که از این تجمع منتشر شده است که خطاب به تحصن کنندگان می‌گوید: «هن آدم در جمع شما، از طرف دبیر ستاد، دبیر کشوری و مجموعه تهران خدمت تان عرض کنیم که حتماً این مساله را پیگیری می‌کنیم و کوتاه هم نمی‌اییم. در باره این کار - باز داشت تحصن کنندگان - نمی‌دانم لفظ احقانه به کار ببرم یا نه؛ اما کار عاقلانه‌ای نبود.» او گفته بود وقتی ظرفیت داووس صحبت می‌کند در توبیتی خواستار دستگیری او توسط پلیس ضد کودتا شد. روز بعد در تجمع مقابل پاسنور مرد جوانی علیه دولت و روسای سه قوه شعری می‌دهد می‌گوید که «اگر آقای ظرفیت دروغ گفته است سران قوا باید وی را تحت تعقیب قضایی قرار بدهند و بازداشت کنند. سران قوا را زیر پای‌های خود به عنوان عناصر کودتاجی له خواهیم کرد.»

ستاد امر به معروف و نهی از منکر البته گویا با عاقله خاصی به سننار بوهایی توطئه و کودتا دارد چرا که تنها چند روز قبل از برگزازی تجمع دوم آبان ماه سال جاری مقابل مرکز ملی فضای مجازی در اعتراض به پیگیری دولت برای رفع فیلتر باز هم این مومن نسب بود که فرمان حجاب را در باره رفع فیلتر تشنگ را «کودتا» خواند! رفتار همان مومن نسب در تجمعات اخیر برگزار شده علیه دولت تا اندازه‌ای شبهه برانگیز بود که با سر خلیلی، مدیر کل حقوقی ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور یازدهم بهمن ماه سال گذشته در گفت‌وگویی با پایگاه خبری دیدمیان ایران دربار تجمعات اخیر علیه محمد جواد ظریف معاون راهبردی رییس جمهور در پاسخ به این پرسش که «چرا ستاد بدون مجوز اقدام به برگزازی تجمعات می‌کند؟» گفته است: «اساساً ستاد نه در هیچ یک از تجمعات تهران و کشور حضور دارد نه در بنامه‌ای برای تجمعات دارد.» بابیان وجود به نظر می‌رسد موضوع اعتراض به رفع فیلتر گویابه صورت غیر رسمی و حتی شاید رسمی در دستور کار فعالیت اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار داشت. هفتم این ماه سال گذشته بود که کاظم صدیقی - رییس ستاد امر به معروف و نهی از منکر از حامیان سرشنای جلیلی در انتخابات اخیر و البته شخصی که با حکم او مومن نسب به عنوان دبیر ستاد امر به معروف تهران منصوب شده بود - با انتقاد از وضعیت فضای مجازی گفت: «افرادی که با سلاح جنگ نرم و آدمی شوند تا با شیاعت ستون‌ها را برزنند. افرادی که در جامعه چراغ مورد اعتماد هستند را تحریک کنند و از چشم مردم بیندازند در واقع می‌خواهند سلب اعتماد عمومی از همه افراد مورد اعتماد کنند» چهره دیگر این ستاد که البته حالا پسوند معزول را در دنبال خود می‌کشد مهری طالبی دارستانی است. روند اوگر گیری طالبی دارستانی با طرح ایده کلینیک ترک بی‌حجابی آغاز شد و اندکی بعد زمانی که در حمایت از سعید جلیلی در انتخابات سنگ تمام گذاشته بود هم به عنوان حلقه زدنیکان حجت المملکی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فعالیت کرده بود، در توبیتی با ادبیاتی عجیب از پز ششکيان انتقاد کرد. الفاظ به کار برده توسط طالبی دارستانی به دیگر‌های تند بود که به برگزازی او از ستاد امر به معروف و عذرخواهی این ستاد منجر شد. عزل طالبی دارستانی او را در انتقاد از دولت صریح تر کرد. وقتی در تجمع برگزار شده علیه ظرفیت حجاب در مقابل پاسنور شرکت می‌کند و بر اساس گزارش روزنامه همپهن حتی نویسنده بیانیه این تجمع است، بیانیه‌ای که به قلم طالبی دارستانی در آن گفته شده است که «این حرکت مطالبه‌گرانه، بر مبنای اظهار نظر صریح ریاست محترم مجلس منجر به غیر قانونی بودن انتصاب جناب آقای طاهری در سمت رییس شورای راهبردی دولت چهاردهم و همچنین ادعاهای بحق آقای پز ششکيان مبنی بر قانون‌مداری شکل گرفته است؛ از آنجایی که آقای ظرفیت مغایر بانص قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس قدس دولت را از مهمان وضعیت فعلی حجاب معرفی و بابیان اینکه «حمایت نهادهای نظارتی و مسوولان دولتی

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت چهاردهم از ارسال پیامک‌های حجاب در تهران ایراز بی‌اطلاعی کرد و وعده پیگیری این موضوع توسط دولت را داد

روزنامه اعتماد در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد

اختلاف در تیم ترامپ

- حسن بهشتی پور: خروج شاهین صدایرانی چون والتز از حلقه تصمیم‌سازان کاخ سفید به نفع ایران است**
- عبدالرضا فرجی‌راد: شواهد نشان می‌دهد تیم ترامپ در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران تصمیم‌های تازه‌ای اتخاذ کرده‌است**

حدیث روشنی

توقف چهارمین دور مذاکرات ایران و آمریکا با تغییر و تحولات در کابینه ترامپ و کاخ سفید هم‌زمانی داشت: گزارش‌های که به باور ناظران مسبق به سابقه است، چرا که پیش از نیز دونالد ترامپ در دوران نخست ریاست جمهوری اش، چهره‌های مختلفی از اعضای کابینه‌اش را برکنار کرد و گزینه‌های جدید را جایگزین. اینک نیز مایک والتز پسان پیشینیش فرانی شده و در سرلیست خروجی‌های دولت دوم ترامپ قرار گرفته‌است. این در حالی است که مقام‌های رسمی ایالات‌متحده تاکنون در خصوص علت برکناری والتز، موضع‌گیری رسمی و روشنی را به‌نکرده‌اند. با این حال، برخی منابع رسانه‌ای «ماجرای سیگنال‌گیت» را علت اصلی کنار گذاشتن او عنوان کرده‌اند: ماجرای که طی آن، مشاور امنیت ملی کاخ سفید یک خبرنگار را به اشتباه به یک گفت‌وگوی رمزگذاری شده امنیتی دعوت کرده بود، اما گروهی دیگر با اشاره به هم‌زمانی این تحول با تشدید چندصدایی در کاخ سفید پیرامون پرونده هسته‌ای ایران، گمانه‌زنی‌های متفاوتی را مطرح کرده و مدعی‌اند که روبریکر تهاجمی این شاهین ضد ایرانی و همسویی اش با اسرایلی جهت حمله ادعایی نظامی تل آویو به ایران به کام ترامپ خوش نیاآمده و بیستر ابرای خروجش از این پست حساس فراهم کرده است. در همین راستا، نشریه واشنگتن پست، روز شنبه با انتشار گزارشی مدعی شد هم‌صدایی مایک والتز با بنیامین نتانیاهو درباره ایران بدون لحاظ کردن مواضع ترامپ، دلیل برکناری اش از سوی رییس‌جمهور آمریکا بوده‌است. حال آنکه این ادعا از سوی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و نیز کاخ سفید رد شده‌است. فارغ از اینکه پشت‌پرده برکناری مایک والتز چه گذشته است؛ ماجرای سیگنال گیت یا هم‌صدایی با نتانیاهو، سوال اصلی که پیش روی تحلیلگران قرار دارد؛ این است که آیا تغییر و تحولات اخیر در کابینه ترامپ، فرایند رازینی‌های ایران و آمریکا را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد یا خیر؟ نکته دیگری که در این بازه زمانی از اهمیت زیادی برخوردار است، دراختن به این سوال می‌باشد که آیا برکناری چهره‌ای رادیکال چون والتز، سیگنال مثبتی از سوی کاخ سفید به ایران برای ادامه مذاکرات قلمداد می‌شود یا خیر. در همین راستا، گروهی از ناظران براین باورند که جایه‌جایی اخیر در کابینه ترامپ تأثیری بر فرآیند رازینی‌های ندارد، چرا که تهران و واشنگتن بر سراسر جزئیات فنی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران درگیر اختلاف‌نظرهای جدی هستند و متغیرهایی مرتبط با سطح غنی‌سازی یا دریافت تضمین موجب شده تا دو طرف موقتا رازینی‌ها را متوقف کرده تا برای بررسی بیشتر چوانب پیشنه‌ها دات ردیدل شده، زمان بیشتری داشته باشند. گروهی دیگر نیز ضمن تأیید عدم تأثیر تحولات کاخ سفید بر فرآیند رازینی‌ها، تأکید دارند که واشنگتن هنوز به جمع‌بندی مشخصی درباره ادامه مسیر گفت‌وگوها نرسیده و تعویق مذاکرات می‌تواند نشان از تلاشی برای

گزارش

حملات‌هواپی شبانه اسرائیل به سوریه موجب کشته شدن دست‌کم دو غیرنظامی شدن این در حالی است که اسرائیل مدعی است این حملات را برای حفاظت از اقلیت دروزی در برابر خشونت‌های دولتی انجام می‌دهد؛ موضعی که خود جامعه دروزی سوریه آن را رد کرده‌است. براساس گزارش‌ها، دست‌کم هشت نفر نیز در پی حدود ۱۵ حمله هوایی که با بمباراد شنبه چندین منطقه از جمله پایتخت سوریه، دمشق، را هدف قرار دادند، زخمی شدند. ارتش اسرائیل روز شنبه تأیید کرد که «سایت نظامی، توپخانه ضدهوایی و زیرساخت‌های موشکی زمین‌به‌هوا در سوریه» را هدف قرار داده، اما جزئیات یا مدارکی در این باره ارائه نکرد. این حملات یک روز پس از آن انجام شد که اسرائیل حمله‌ای را در نزدیکی کاخ ریاست‌جمهوری سوریه انجام داد و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، مدعی شد که اجازه نخواهد داد نیروهای سوری در جنوب دمشق مستقر شوند و همچنین مدعی شد که اسرائیل هیچ تهدیدی علیه جامعه دروزی را تحمل نخواهد کرد.

فرصت‌سازی اسرائیل

به گزارش خبرنگار الجزیره مستقر در سوریه، درگیری‌های این هفته میان نیروهای طرفدار دولت و نظامیان دروزی در سوریه، بیش از ۱۰۰ کشته بر جای گذاشته‌است. عمران خان، خبرنگار الجزیره که از حومه دمشق، منطقه جرمانا، جایی که درگیری‌هایی میان نیروهای دولتی و جنگجویان دروزی روی داده، گزارش می‌دهد، گفت: روز شنبه آرامشی ناپایدار در منطقه برقرار بود. با این حال خیلی‌ها کم‌الامرد هراس بودند. نظامیان دروزی روز سه‌شنبه از چندین جهت به منطقه حمله کردند، اما نیروهای امنیتی آنها را به عقب راندند و پس از آن برای دست‌کم دو روز مقرر تا برای رفت‌وآمد بر منطقه جرمانا برقرار بود. به گفته این خبرنگار

باز تعریف استراتژی آمریکا در قبال ایران باشد.

ایجاد هماهنگی در سیاست خارجی واشنگتن، پس از ماه‌ها چندصدایی و اختلاف‌نظر میان مشاوران ارشد ترامپ، از دیگر گزاره‌هایی است که برخی تحلیلگران در باب چرایی به تعویق افتادن رازینی‌ها پدان اشاره می‌کنند. به این بهانه روزنامه اعتماد با هدف رازینی چرایی توقف رازینی‌ها و تأثیر احتمالی تغییرات کابینه ترامپ بر استراتژی واشنگتن در ارتباط با ایران، با عبدالرضا فرجی‌راد، استاد ژئوپلیتیک و حسن بهشتی پور پژوهشگر مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌است.

حسن بهشتی پور:

ترامپ با توسل به اهرم فشار و تحریم اصول دیپلماسی مدرن را نقض کرده‌است



حسن بهشتی پور، پژوهشگر مسائل بین‌الملل در پاسخ به سوال «اعتماد» در باب چرایی برکناری مایک والتز از کابینه ترامپ و احتمال تأثیر چنین تحولی بر فرآیند مذاکرات گفت: برکناری آقای مایک والتز، مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ، بیش از آنکه به ایران مرتبط باشد، به مسائل داخلی کاخ سفید بازمی‌گردد. در حالی که برخی رسانه‌ها، از جمله واشنگتن پست و بی‌بی‌سی، به شدت بر نقش ایران در این برکناری تأکید دارند، واقعیت چیز دیگری است. کاخ سفید نیز صراحتاً اعلام کرده که این تغییر ارتباطی با ایران نداشته‌است. مساله اصلی به یک خطای بزرگ برمی‌گردد؛ والتز به اشتباه یکی از خبرنگاران را به یک گروه خصوصی در پیام‌رسان سیگنال دعوت کرده بود؛ گروهی که شامل مشاوران ارشد نظامی آمریکا و محلی برای تبادل اطلاعات امنیتی بود. این اشتباه به شدت جایگاه مشاور پیشین امنیت ملی را زیر سوال برد. به باور بهشتی پور در واقع، از همان ابتدا هم این جایگاه برای شخصی با سابقه و چهره‌ای چون مایک والتز مناسب نبود. انتخاب چنین فردی از سوی ترامپ نشان‌دهنده نوع نگاه او به جایگاه‌های حساس امنیتی است. برای مقایسه، کافی است به یاد بیاوریم زمانی افرادی چون برژانسکی یا هنری کیسینجر در همین سمت فعالیت می‌کردند. در مقابل، والتز نه تنها فاقد سابقه مشخص در حوزه‌های سیاست خارجی و امنیت ملی است، بلکه هیچ تجربه‌ای در نهادهایی چون شورای روابط خارجی آمریکا نیز ندارد. این شورا در شکل‌دهی به سیاست‌های کاخ سفید و تصمیم‌سازی‌های رییس‌جمهور جایگاهی جدی دارد. بهشتی پور در ادامه تأکید کرد: نکته قابل توجه دیگر این است که سمت مشاور امنیت ملی نیازی به تأیید سنا ندارد؛ به همین دلیل، چنین انتصاب‌هایی بعضاً بدون غربالگری دقیق انجام می‌شوند. البته که برکناری والتز، سناریوهای دولت نخست ترامپ را یادآوری می‌کند؛ بازه زمانی که او تنها طی ۲۳ روز مشاور امنیت ملی‌اش را تغییر داد و در طول چهار سال، سه‌بار این سمت را جابه‌جا کرد. حالا هم آقای روبیو به‌طور موقت این سمت را برعهده گرفته، اما هنوز به‌طور رسمی منصوب نشده‌است. به نظر می‌رسد ترامپ منتظر است تا گزینه نهایی‌اش را معرفی کند. به گفته این پژوهشگر مسائل بین‌الملل نکته قابل تأمل درباره روبیو، مواضع بسیار تند

او نسبت به ایران است. او نه پهلوی است و نه صهیونیست؛ اما در عمل، حتی از بسیاری از چهره‌های صهیونیست نیز مواضع تندتری علیه ایران اتخاذ کرده‌است. هم‌زمان سوابقش نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که همواره در کنار چهره‌های شناخته‌شده جریان‌های افراطی طرفدار اسرائیل در آمریکا قرار داشته و حمایت همه‌جانبه‌ای از آنها داشته‌است. بهشتی پور در ادامه گفت‌وگوی خود با «اعتماد» تأکید کرد: با این حال، از منظر تأثیر بر روند مذاکرات، می‌توان گفت که برکناری والتز به نفع ایران تمام شده‌است. هر چند این تغییر ارتباطی مستقیم با پرونده ایران ندارد، اما خروج یکی از مخالفان جدی دیپلماسی با تهران از حلقه تصمیم‌سازی کاخ سفید، می‌تواند فضای تنفسی بیشتری برای ادامه گفت‌وگو فراهم کند. به باور بهشتی پور البته باید دید چه کسی جایگزین او خواهد شد. شنیده شده که ترامپ قصد داشته آقای ویتکاف را برای این سمت انتخاب کند، اما فرستاده ویژه خود این پیشنهاد را نپذیرفته‌است. اینکه صرفاً به دلیل رفاقت با ترامپ بخوانند فردی را در راس شورای روابط خارجی بگذارند، تصمیمی عجیب و نگران‌کننده‌است. به هر حال، اگر چه این جایه‌جایی مستقیماً به مذاکرات مربوط نبود، اما می‌تواند بر روند رازینی‌ها اثر مثبت بگذارد، چرا که یکی از چهره‌های ضدایرانی از این معادله حذف شده‌است.

بهشتی پور در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» در باب مواضع متناقض ترامپ، چهره‌ای که زمانی از دیپلماسی با تهران می‌گوید اما هم‌زمان با آغاز دور چهارم رازینی‌ها تحریم‌های سختی را علیه فروش نفت و گاز ایران تعریف کرده و خریداران را تحت فشار قرار می‌دهد، گفت: توجه داشته باشید که وقتی دو کشور وارد فرایند مذاکره می‌شوند، منطقی‌تر است قواعد بین‌المللی و اصول شناخته‌شده روابط میان دولت‌ها ایجاد می‌کنند که دو بازیگر، در طول گفت‌وگوها، از هر گونه تهدید یا اعمال فشار از جمله تحریم خودداری کنند. استفاده از اهرم تحریم و تهدید، به‌ویژه زمانی که به‌صورت علنی و از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد، با سیاست مذاکره‌گری در تعارض کامل است و مشروعیت‌روند گفت‌وگو را تضعیف می‌کند. به باور بهشتی پور واقعیت این است که دولت جدید ترامپ، همان‌طور که با بازیگران وارد مذاکره می‌کند، هم‌زمان از زبان تهدید نیز استفاده می‌کند؛ از همین رو این رویکرد مختص ایران نیست. ایالات‌متحده حتی با متحدان سنتی خود، نظیر کانادا و مکزیک، نیز چنین رفتاری داشته و با رقبای استراتژیک مانند چین و حتی متحدان قدیمی اروپایی‌اش نیز به همین شکل برخورد کرده‌است. یعنی تهدید و گفت‌وگو را به موازات هم پیش برده‌است. با این حال، چنین روشی قطعاً نادرست و مغایر با اصول دیپلماسی مدرن است. تاکنون در عرف روابط بین‌الملل رایج نبوده که کشوری در عین مذاکره، برای کسب امتیاز بیشتر، طرف مقابل را تهدید یا تحریم کند؛ از طریق رسانه‌ها و چه در قالب اقدامات عملی این پژوهشگر مسائل بین‌الملل در ادامه خاطر نشان کرد: با وجود توافق در موارد، همچنان بر این نکته تأکید می‌کنم که ایران باید مسیر مذاکره را ادامه دهد. حتی با وجود توسل ترامپ به اهرم‌های نادرست و غیر حرفه‌ای، زیر تأداوم گفت‌وگوها به نفع ایران است. به باور بهشتی پور تأکید تهران بر تداوم دیپلماسی نتایج ملموسی دارد، نخست، پیام مثبت و روشنی است که تهران برای افکار عمومی جهان و داخل کشور ارسال می‌کند؛ مبنی بر اینکه تهران همچنان خواهان ویتکاف

گفت‌وگو و پیگیری راه‌حل‌های دیپلماتیک است. تسریع چنین تصویری، در صحنه بین‌المللی برای کشور بسیار حائز اهمیت است. بهشتی پور همچنین تأکید کرد: اهمیت دیگر این موضوع بازمی‌گردد به واقعیت که در شرایط کنونی راهی جز مذاکره برای پایان دادن به تحریم‌ها وجود ندارد. گرچه در سطح داخلی می‌توان بر اقتصاد مقاومتی و تقویت زیرساخت‌های خوداتکایی تکیه کرد، اما در عرصه‌هایی چون صادرات، واردات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، لغو تحریم‌ها یک پیش‌شرط ضروری است. برای رسیدن به چنین هدفی، چاره‌ای جز ادامه مسیر مذاکره، دستیابی به تفاهم و رایه راه‌حل‌های جدید نیست.

عبدالرضا فرجی‌راد:

برکناری والتز می‌تواند یکی از دلایل به تعویق افتادن رازینی‌ها باشد



عبدالرضا فرجی‌راد، استاد ژئوپلیتیک در پاسخ به سوال «اعتماد» در باب چرایی تعویق دور چهارم مذاکرات و هم‌زمانی آن با تحولات درون کابینه دونالد ترامپ گفت: تعویق رازینی‌ها می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یکی از دلایل اصلی به نظر می‌رسد تصمیم آقای ترامپ برای برکناری آقای والتز باشد. از این جهت که اختلافاتی درون کابینه آمریکا آغاز شده و باید تا پیش از سفر آقای ویتکاف به رم مدیریت و کنترل می‌شد. البته که این امر گامی هدامدی شدند زمان مشخصی برای دور چهارم رازینی‌ها تعیین نشده بود و عمانی‌ها و طرف ایرانی می‌گویند تاریخ را مشخص کرده بودند. در نتیجه، با توجه به این گزاره و اختلاف‌نظرها در کابینه ترامپ، مذاکرات را به تعویق انداختن تا بتوانند به یک جمع‌بندی برسند و تصمیم‌گیری کنند. به باور فرجی‌راد ادعاهای اخیر آقای روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا نشان می‌دهد تصمیمات جدیدی درباره محتوای مذاکرات در واشنگتن اتخاذ شده‌است. لذا همین مساله هم ایجاب می‌کرد زمانی برای مشورت اختصاص داده شود تا درباره چگونگی پیشبرد دور چهارم مذاکرات به توافق برسند. طبیعتاً ایران با برخی از این تصمیمات مخالفت خواهد کرد، به‌خصوص تصمیماتی که آقای روبیو در مصاحبه‌اش به آنها اشاره کرده‌است. این استاد ژئوپلیتیک در ادامه به «اعتماد» گفت: در نتیجه، با توجه به فرصت کم و تحولاتی که در درون کابینه آمریکا اتفاق افتاد و همچنین تصمیماتی که درباره محتوای مذاکرات اتخاذ شده بود، امکان نداشت که در همان بازه زمانی کوتاه خودشان را به رم برسانند و وارد مذاکره شوند. لازم بود تصمیم‌نهایی در واشنگتن اتخاذ شود تا آقای ویتکاف



الشروع و حمله به اهداف داخل سوریه استفاده می‌کند. روز شنبه، گیر پدرس، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه، اعلام کرد «به شدت نفخ مستمر و فزاینده حاکمیت سوریه از سوی اسرائیل، از جمله حملات هوایی متعدد به دمشق و دیگر شهرها» را محکوم می‌کند. با وجود محکومیت‌های بین‌المللی، ارتش اسرائیل که همچنان بخش‌هایی از سوریه را در حمله‌بلندی‌های جولان را در اشغال دارد، حملاتش را در سراسر کشور تاهشر الصور

الکبری در استان سویدا ادامه داده‌است. عمار الحریری، یکی از فرماندهان نیروهای امنیتی سوریه، گفت: «با وجود چالش‌ها و تهدیدهای خارجی و هواپیماهای اسرائیلی، ما حضور داریم و هیچ چیز نمی‌تواند مانع محافظت از مردمان با انجام وظیفه‌مان در قبال آنان شود.» سلمان علیوی، یکی از ساکنان این شهر نیز گفت: مردم پس از سوریه را در یک مرکز اسرائیل را کنترل می‌کنند، تاکنون از پیوستن به ارتش ملی تحت رهبری

محتوای پیشنهادی را به عمان بیاورد و به طرف ایرانی اعلام کند. از آنجا که تیم آمریکایی به این تصمیم‌نهایی نرسیدند، مذاکرات به تعویق افتاد. فرجی‌راد در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» در باب ادعاهایی که در راستای تعمیق اختلافات تهران و واشنگتن در باب جزئیات مذاکرات در رسانه‌های غربی منتشر شده، گفت: در ادوار ابتدایی مذاکرات ایران و آمریکا یک تفاهم کلی میان دو طرف شکل گرفته‌است. همین تفاهمات اولیه موجب شد اختلافات درون ساختار سیاسی آمریکا تشدید شود، به‌طوری که جناح تندرو و نئوکان به‌شدت به آقای ویتکاف حمله کردند و مدعی شدند که او تجربه کافی برای این مذاکرات ندارد و اساساً چرا چنین فردی برای گفت‌وگو به عمان فرستاده شده‌است. در همین راستا درون کنگره نیز چهره‌های تندرو و اکثش‌های تندی به فرآیند رازینی‌ها نشان دادند و صاحب‌های انتقادی متعددی منتشر شد. این روند برای دولت ترامپ آورده سیاسی مثبتی به همراه نداشت و تداوم مذاکرات به این شیوه، از منظر داخلی نیز زیر سوال رفت.

این استاد ژئوپلیتیک در ادامه گفت‌وگو با «اعتماد» گفت: در پی این تحولات، جلساتی در خاطر نشان کرد: در پی این تحولات، جلساتی در واشنگتن برگزار شد که به‌نظر می‌رسد در جریان آنها تصمیمات تازه‌ای اتخاذ شده‌است. از این رو، درباره دور چهارم مذاکرات که هنوز زمان دقیقی بر گزاری آن مشخص نیست، نمی‌توان با قطعیت گفت که چه مواضع یا طرح‌های جدیدی در دستور کار آمریکایی‌ها قرار دارد. حتی حضور مجدد آقای ویتکاف در دور بعدی مذاکرات نیز قطعی نیست. هر چند احتمال حضور مجدد وی در دور بعدی رازینی‌ها با ایران بالا است اما نمی‌توان به‌طور صد‌صد تأیید کرد. به باور فرجی‌راد با توجه به اظهارات اخیر مار کو ربیو، که هم‌کنون به عنوان مشاور امنیت ملی نیز ایفای نقش می‌کند، ممکن است تصمیم بر آن باشد که خود او مدیریت مذاکرات را دنبال کند یا دست‌کم در طراحی مسیر آن دخالت بیشتری داشته باشد. با این حال تا زمان بر گزاری نشست چهارم باید منتظر ماند و دید که آیا مسیر پیشین ادامه پیدا خواهد کرد یا خیر. فرجی‌راد در ادامه تأکید کرد که نکته مهم دیگر منتظر شنیدنش بود؛ اما بسیاری از اقلیت‌های دینی و قومی سوریه همچنان نسبت به رهبران جدید، بدبین هستند، به‌ویژه با توجه به موج‌های مکرر خشونت علیه اقلیت‌ها، از جمله دروزیان. این هفته، یک فایل صوتی جعلی که ادعا می‌شود یکی از روحانیان دروزی در جریانش به مقدسات توهین کرده، افراط‌گرایان سنی را به حمله علیه دروزیان از جمله در اشرافیه صحنایا در جنوب دمشق – داشت طبق گزارش «دیده‌بان حقوق بشر سوریه» مستقر در بریتانیا، در این حملات دست‌کم ۱۰ نفر از جمله نیروهای دولتی، جنگجویان دروزی و غیرنظامیان کشته شدند. در اشرافیه صحنایا، شهری که فرقه‌های مختلف برای مدت طولانی در آن همزیستی داشتند، خمپاره‌ها و گلوله‌ها به ساختمان‌ها صابت کرد. به‌پادشاه آسمان حمله کردند و ساکنان در خانه‌ها پناه گرفتند، در حالی که نظامیان دروزی محلی با نیروهای دولتی و افراط‌گرایان می‌جنگیدند. انتقاد شورشیانی که دولت اسد را سرنگون کرد، شامل برخی گروه‌های افراطی است که همچنان خارج از کنترل مرکزی هستند و دولت جدید سوریه نیز در مهار آنها توان است. به باور ناظران حوادث این چند روز برای بسیاری از سوری‌ها فراموش نشده، بلکه سلسله زخم‌های است که هر آن می‌تواند زمینه را برای تشدید تنش هموار سازد.



این استاد ژئوپلیتیک در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» مبنی بر اثرگذاری یا عدم اثرگذاری بر کنناری والتز بر فرآیند مذاکرات گفت: همان‌طور که پیش از نیز اشاره شد، دو دیدگاه عمده در خصوص نحوه مواجهه با ایران در ساختار سیاسی آمریکا وجود دارد. یک دسته بر اعمال فشار حداکثری و در صورت لزوم تهاجم تأکید دارند و دسته‌ای دیگر معتقدند که باید از مسیر دیپلماسی، اما در چارچوب فشار، اهداف موردنظر را پیگیری کرد. در حال حاضر به نظر می‌رسد آقای ویتکاف و دونالد ترامپ و تاحدودی مارکو روبیو نیز در زمره گروه دوم قرار دارند؛ یعنی کسانی که طرفدار «دیپلماسی همراه با فشار» هستند.

به گفته فرجی‌راد در این میان، برکناری مایک والتز نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. از یک سو، برخی منابع معتقدند که این برکناری در راستای هماهنگی او با اسرائیل در جریان حمله ادعایی به ایران و عدم هماهنگی این مساله با ترامپ قابل تبیین است. از سوی دیگر، اما والتز فردی بود که اتاقش در کاخ سفید در مجاورت اتاق آقای ترامپ قرار داشت و همین نزدیکی فیزیکی باعث شده بود تا او دایماً مواضع تند و دیدگاه‌های رادیکالش را در رابطه با ایران و حتی روسیه و اوکراین، به رییس‌جمهور منتقل کند؛ دیدگاه‌هایی که با خطمشی کلی تیم ترامپ هم‌راستا نبود. این استاد ژئوپلیتیک در ادامه خاطر نشان کرد: علاوه بر این، آقای والتز در ماجرای موسوم به «سیگنال گیت» نیز دچار خطاهایی شد که وجهه امنیتی او را زیر سوال برد. مجموعه این عوامل، از اختلافات سیاسی و راهبردی گرفته تا اشتباهات فنی و امنیتی، موجب شد ترامپ به این جمع‌بندی برسد که حضور او دیگر به نفع روند تصمیم‌سازی در کاخ سفید نیست، به همین دلیل تصمیم گرفت والتز را کنار بگذارد و این موضوع می‌تواند در فرآیند آتی مذاکرات ایران و آمریکا گاث را بخشد. این استاد ژئوپلیتیک در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» در باب اعمال تحریم‌های جدید توسط واشنگتن علیه تهران هم‌زمان با پیگیری روند مذاکرات گفت: این مقوله همان استراتژی است که ایالات‌متحده پیگیری می‌کند و در راستای آن هم‌زمان با اعمال فشار حداکثری، به دنبال پیشبرد دیپلماسی است تا از این طریق بتواند اهداف و امتیازات بیشتری را در طول مذاکرات با ایران به دست بیاورد. با این حال، مقاومتی که از سوی ایران در این مسیر صورت گرفته، باعث شده تا شرایط پیچیده‌تر از گذشته شود. در این راستا، نشست مذاکرات به عنوان یک گام حساس و کلیدی قلمداد می‌شود. این نشست می‌تواند نقطه عطفی باشد که نشان می‌دهد آیا مذاکرات در ادوار بعدی ادامه خواهد یافت یا خیر و نتایج آن قطعاً می‌تواند مسیر آینده گفت‌وگوها را مشخص کند.

دولت جدید شام خودداری کرده بودند، زیرا نگران بودند که این اقدام، جان جامعه‌شان را به خطر بیندازد. اما با بالا گرفتن خونریزی در این هفته، رهبران محلی دروزی در اشرافیه صحناره دیگری را برگزیدند. در ازای امتیازاتی از سوی دولت – از جمله وعده تحقیق درباره نقض‌های صورت گرفته در جریان درگیری‌ها – آنها پذیرفتند که سلاح‌های خود را تحویل دهند و برخی از نیروهایشان را متفرج‌شنینش بود؛ اما بسیاری از اقلیت‌های دینی و قومی سوریه همچنان نسبت به رهبران جدید، بدبین هستند، به‌ویژه با توجه به موج‌های مکرر خشونت علیه اقلیت‌ها، از جمله دروزیان. این هفته، یک فایل صوتی جعلی که ادعا می‌شود یکی از روحانیان دروزی در جریانش به مقدسات توهین کرده، افراط‌گرایان سنی را به حمله علیه دروزیان از جمله در اشرافیه صحنایا در جنوب دمشق – داشت طبق گزارش «دیده‌بان حقوق بشر سوریه» مستقر در بریتانیا، در این حملات دست‌کم ۱۰ نفر از جمله نیروهای دولتی، جنگجویان دروزی و غیرنظامیان کشته شدند. در اشرافیه صحنایا، شهری که فرقه‌های مختلف برای مدت طولانی در آن همزیستی داشتند، خمپاره‌ها و گلوله‌ها به ساختمان‌ها صابت کرد. به‌پادشاه آسمان حمله کردند و ساکنان در خانه‌ها پناه گرفتند، در حالی که نظامیان دروزی محلی با نیروهای دولتی و افراط‌گرایان می‌جنگیدند. انتقاد شورشیانی که دولت اسد را سرنگون کرد، شامل برخی گروه‌های افراطی است که همچنان خارج از کنترل مرکزی هستند و دولت جدید سوریه نیز در مهار آنها توان است. به باور ناظران حوادث این چند روز برای بسیاری از سوری‌ها فراموش نشده، بلکه سلسله زخم‌های است که هر آن می‌تواند زمینه را برای تشدید تنش هموار سازد.

جنوب سوریه؛ جولانگاه نظامی اسرائیل یا خط مقدم درگیری‌های قومی؟

شام در آستانه رویارویی فرقه‌ای!

آغاز نبرد فرقه‌ای در شام؟

همزمان نشریه وال استریت ژورنال به نقل از خبرنگار خود که در شام مستقر است به حال و هوای سوریه در این روزها اشاره کرد و در این باره نوشت: روز جمعه‌ای که گذشت درحالی که صدای آژیرها به صدا درآمده بود، یک خودروی شاسی‌بلند سیام‌رنگ در خیابان‌های شهر اشرافیه صحنایا تاخت و یک کامیون پر از افراد مسلح دنبالش حرکت می‌کرد. نیروهای دولتی کنترل شهر را از گروه‌های مسلح پس گرفته بودند؛ گروه‌هایی که طی دو روز، شهر را به میدان نبرد ی فرقه‌ای تبدیل کرده و ده‌ها نفر را کشته بودند؛ خدای که توانایی رهبران جدید سوریه در حفظ امنیت را برای همگان آشکار کرد. حالا، نمایندگان دولت آمده بودند تا به شهری که همچنان با تردید به آنها می‌نگرد، وعده صلح بدهند. در تالار مذهبی بزرگی که طنین صدای آن می‌پیچید، دو مقام دولتی با لباس رسمی شانه به شانه رهبران مذهبی دروزی – جاریش‌های سفید و کلاه‌های سنتی سفید و قرمزشان – نشستند و از وحدت سخن می‌گفتند. جمیل ملادور، عالی‌ترین مقام منطقه گفت: «ما همه در یک کشتی هستیم. اگر خدای تبارک و تعالی این کشتی غرق شود، همه‌مان غرق خواهیم شد.» به نوشته این نشریه این سخنان تازه‌گی نداشت، اما این بار با اقداماتی همراه شده بود. نظامیان دروزی سوریه که بخش استراتژیکی از جنوب سوریه نزدیک مرز اسرائیل را کنترل می‌کنند، تاکنون از پیوستن به ارتش ملی تحت رهبری



گزارش اختصاصی «اعتماد» از تقابل دو مدال آور المپیکی ایران و تکذیب هادی ساعی فدراسیون تکواندو طرف مبینا است نه ناهید!

گروه ورزش

در حالی که دبیر فدراسیون تکواندو رسماً اختلاف ناهید کیانی و مبینا نعمت زاده دو مدال آور المپیکی ایران را تایید و آنها را تهدید به حذف کرده بود، هادی ساعی رئیس فدراسیون این مساله را تکذیب و خبر اختلاف این دو را دسیسه دشمنان دانست، اما یک منبع آگاه به خبرنگار روزنامه اعتماد اطلاع داد: «فدراسیون طرف مبینا نعمت زاده است و قصد دارد کیانی را قانع کند که تغییر وزن بدهد.»

به گزارش روزنامه اعتماد، تکواندو سال گذشته در المپیک پاریس بسیار موفق ظاهر شد و با ۱۰۰/۱ موفقیت در کسب مدال به ایران بازگشت. تیم ملی تکواندوی زنان و مردان ایران با ۴ شرکت کننده در مسابقات ظاهر شد و با چهار مدال برگشت دو مدال از این ۴ مدال توسط ناهید کیانی (نقره) و مبینا نعمت زاده (برنز) به دست آمد. این موفقیت چنان بزرگ بود که فدراسیون تکواندو را در ردیف موفق ترین فدراسیون های کشور قرار داد، مینو مداح سرمربی تیم ملی جایزه بهترین مربی سال را کسب کرد و ناهید کیانی در جشن بهترین ورزشکار سال که با همکاری صداوسیما و ارگان های ورزشی برگزار شد عنوان بانوی ورزش ایران را کسب کرد. با وجود این موفقیت ها فدراسیون تکواندو مخصوصاً در حوزه زنان کم حاشیه نداشته است که یکی از این حواشی بحث اختلاف ناهیدو مبینا بوده چندماه بعد از المپیک خبر رسید که مینو مداح سرمربی موفق تیم ملی از سمت خود کناره کشد یا انطور که فدراسیون می گفت استعفا داده است. مینو مداح در آن برهه در گفت و گو با روزنامه اعتماد رفتار بد فدراسیون با خودش را عامل عدم ادامه همکاری عنوان کرد و فدراسیون در پاسخ با تکذیب اظهارات مداح گفت فدراسیون اصراری به بازگشت مداح ندارد. در همان مقطع خبر رسید حضور مهرور ساعی خواه هادی ساعی در کادر فنی و تمایل او به نشست روی نیمکت سرمربیگری تیم ملی دلیل مهم این

لیگ نخبگان

در دیدار نهایی نخستین دوره رقابت های لیگ قهرمانان آسیا در سطح نخبگان، تیم فوتبال الاهلی عربستان موفق شد مطابق پیش بینی ها با برتری قاطع مقابل حریف زاپنی خود، کاوازاکی، جام قهرمانی را در خانه نگه دارد. به گزارش روزنامه اعتماد، این مسابقه که عصر شنبه در ورزشگاه مملو از تماشاگر ملک عبدالله شهر جده برگزار شد، با نتیجه ۲ بر صفر به سود نماینده عربستان خاتمه یافت. الاهلی با این پیروزی، به حسرت دیرینه خود برای کسب عنوان قهرمانی قاره ای پایان داد و نام خود را به عنوان نخستین فاتح فرمت جدید لیگ قهرمانان آسیا یا همان لیگ نخبگان ثبت کرد. الاهلی که پیش از این دو بار تجربه حضور در فینال لیگ قهرمانان آسیا را داشت و هر دو بار با دست خالی میدان را ترک کرده بود، این بار با بهره گیری کامل از شرایط میزبانی و حمایت بی وقفه بیش از ۶۰ هزار هوادار پر شور خود، نمایشی حساب شده و قدرتمند را ارائه داد و طلسم ناامی ها را شکست. مرحله یک چهارم نهایی تا فینال این دوره از مسابقات به صورت متمرکز در شهر جده برگزار شد و الاهلی با استفاده از این امتیاز بزرگ، گام به گام تا رسیدن به جام پیش رفت و سرانجام در شب تاریخی جده به مهم ترین افتخار باشگاهی خود در سطح قاره دست یافت. اما لیگ نخبگان آسیا ۲۵-۲۴، چهل و سومین دوره از رقابت های سطح اول باشگاهی فوتبال آسیا و اولین دوره با نام و فرمت جدید «لیگ نخبگان آسیا» (AFC Champions League Elite) بود که توسط کنفدراسیون فوتبال

اتفاقات بوده است. اما هادی ساعی در گفت و گو با رسانه ها

سرمربیگری خواهرش را رد کرد و گفت کمیته فنی سرمربی تیم ملی را انتخاب می کند. آنچه بعداً مشخص شد حاکی از آن بود که بخشی از تقابل مداح و مهرور ساعی به دو گانه کیانی -نعمت زاده برمی گردد؛ به این معنا که انگار کیانی در تیم ملی شاگرد مداح بوده و نعمت زاده شاگرد ساعی، استوری حمایتی نعمت زاده برای مهرور ساعی بعد از حواشی مربوط به نیمکت سرمربیگری تیم ملی تکواندو این موضوع را تایید کرد. اما داستان کیانی و نعمت زاده چیست؟ احتمالاً همه چیز به هم وزن شدن این دو برمی گردد! سال گذشته در آذر ماه مبینا نعمت زاده که پس از المپیک با افزایش وزن به وزن ناهید کیانی آمده بود در لیگ برتر موفق به شکست نایب قهرمان المپیک پاریس شد. همان موقع رسانه ها نوشتند هم وزن شدن این دو قهرمان به ضرر ورزش ایران است چرا که در المپیک تنها یک نفر از این دو می تواند شرکت کنند. در همان مقطع ساعی مداح سرمربی و تیم ملی به روزنامه اعتماد گفت: «صحت کردن از الان در مورد المپیک لس آنجلس اشتباه است، با این حال او تصریح کرد: «مبینا نعمت زاده گرچه می توانست در وزن ۵۳ مبارزه کند، تصمیم گرفت به وزن ناهید کیانی (۵۷) بیاید.» او در مورد اینکه تصمیم مبارزه ورزشکار در یک وزن خاص با چه کسی است، اظهار داشت: «قطعاً تصمیم خودش هم هست، اما در همه جا همه چیز فقط به تصمیم ورزشکار نیست و در نهایت با یک خرد جمعی تصمیم گیری می شود.» بعد از این اتفاق و چین به متن بازگشت، چند روز قبل ویدئویی در فضای رانده شد تا اینکه در مسابقات اخیر جام ریاست جمهوری چین به متن بازگشت، چند روز قبل ویدئویی در فضای مجازی و ايرال شد که نشان می داد ناهید کیانی بعد از شکست مقابل مبینا نعمت زاده در مسابقات جام ریاست فدراسیون چپانی چین از دست دادن با او خودداری می کند. این ویدئو با تیتیر «علنی شدن اختلاف کیانی و نعمت زاده» بلافاصله رسانه های فارسی زبان را در توردید.

همین مساله واکنش دبیر فدراسیون را هم به دنبال داشت. اصغر رحیمی در این رابطه به تسنیم گفت: «موضوعاتی پیش آمده است که اصلاً تعجب می کنم. در تاریخ تکواندو خودرقیای جدی مثل هادی ساعی، یوسف کریمی مهدی بی پاک را داشتیم که هم وزن بودند و همیشه به هم احترام گذاشتند. متأسفانه در بخش بانوان این مساله به صورت الکی ایجاد شده است. این در حالی است که هنوز چند سال به المپیک بعدی زمان داریم و اصلاً شاید هر دوی این نفرات در المپیک نباشند. کیانی و نعمت زاده تنها مدال آوران المپیک دختران ما هستند و نه تنها باید برای دختران تکواندو بلکه باید برای تمامی دختران ورزش ما الگو باشند و این رفتارها قابل تحمل نیست.» وی تأکید کرد: «نعمت زاده و کیانی باید در جلسه ای حاضر شوند تا ماسک های خود را با آنها وا بکنیم. این نفرات الگوی بقیه نفرات هستند و اگر این موضوع ادامه پیدا کند بدون تعارف هر دو را حذف و نفرات جدیدی را جایگزین خواهیم کرد.» حذف توسط فدراسیون «بازنشر شد تا اینکه هادی ساعی رئیس فدراسیون در کمال تعجب همه صحبت های دبیر فدراسیون را تکذیب کرد او با تأکید روی «دروغ محض بودن اختلاف ناهید و مبینا» به ورزش سه گفت: «چه کسی گفته ناهید و مبینا با هم اختلاف دارند؟ حتی این شایعه که گفته می شد با هم دست ندانند، درست نیست. فیلمش موجود است و در آن صحنه وقتی کیانی که از باختر ناحات بوده و این هم موضوع طبیعی است، به سوسی مربی اش می رود، اما مبینا نعمت زاده که از نظر سن و سال کوچک تر است، او را اصدای کند و سمش می آید. اول ناهید صدای نعمت زاده را نمی شنود، اما در آخر آنها با هم دست می دهند و از میدان خارج می شوند.» رئیس فدراسیون تکواندو در مورد مصاحبه اصغر رحیمی گفت: «آقای رحیمی در محل مسابقات حضور نداشته و وقتی از او سوال شده که چنین مساله ای وجود داشته، او گفته اگر چنین مساله ای باشد، بر خود می کنیم.» او در

تاریخ سازی الاهلی در نخستین دوره لیگ نخبگان آسیا

بازگشت ققنوس وار سبز پوشان جده



آسیا (ای اف سی) برگزار شد. در فرمت جدید، ۲۴ تیم حضور داشتند که در مرحله گروهی (یا مرحله لیگ، هر تیم ۸ بازی در برابر حریفان مختلف (بر اساس سیستم قرعه کشی) انجام دادند. مرحله حذفی و نهایی مسابقات از تاریخ ۲۵ آوریل تا ۴ مه ۲۰۲۵ در شهر جده عربستان سعودی برگزار شد. قهرمان این دوره از رقابت ها برای حضور در جام بین قاره ای فیفا ۲۰۲۵ و جام جهانی باشگاه ها ۲۰۲۹ جواز حضور در این مسابقات را به دست آورد. همچنین الاهلی، قهرمان بازی ها به صورت خودکار سهمیه حضور در لیگ نخبگان آسیا ۲۶-۲۵ را کسب کرد. العین که قهرمان دوره پیشین

ورزش

گفت و گو

تحلیل پیشکسوت استقلال از شرایط این تیم رجبی: جباری الان سرمربی شود، می سوزد! مهمترین بازی استقلال مقابل صنعت نفت است



عدم امنیت شغلی در مدیریت و کادر فنی با تغییرات زیاد روی روحیه بازیکنان تأثیر گذاشته بود. شما در خانواده خود هم هر روز یک ایده و یک کار جدید ارائه دهید خانواده به هم می خورد. تغییرات با عجله و بدون کارشناسی بچه ها را سر در گم می کرد. در تیم هر این بازیکنان در سردرگمی عجیبی بودند. شش، هفت، مربی با فلسفه و دیدگاه متفاوت دست به دست هم داد تا استقلال به آن اهنگ تیمی نرسد. الان هیات مدیره جدید رو به جلورانگاه می کنند و توانشان را گذاشتند تا حذفی را قهرمان شوند و از الان به فکر بستن تیمی درخور نام استقلال هستند.

■ **فکر می کنید شرایط برای قهرمانی استقلال در جام حذفی مهیا است؟**

جام حذفی را اصلاحی نشود پیش بینی کرد. در بازی با پیکان هم دیدید که این تیم در نیمه اول، دو یا سه تا موقعیت گل داشت، فکر می کنم سخت ترین بازی استقلال در جام حذفی همین بازی با صنعت نفت است، اگر از این مرحله عبور کنند کار در فینال راحت نیست اما قهرمانی قابل دسترس است چون پرسپولیس و سپاهان و تراکتور هم تستند و این خودش خیلی کمک می کند. به نظر من ملوان اگر فینالیست شود خطرناک تر است چون در جام حذفی چندین بار قهرمان شدند و اعتماد به نفس بیشتری نسبت به گل گهر دارند.

■ **در صورت اینکه استقلال در ادامه بازی ها موفق شود موفق ادامه کار با مجتبی جباری هست یا نظر دیگری دارید؟**

نه! برای سرمربیگری مجتبی هنوز زود است و اگر خودش هم عاقل باشد، نباید این کار را کند چون مطمئن هستم که می سوزد! مثل بقیه که سوختند از زمانی که کجیج سرمربی استقلال شدند در کنار او آقای پورحیدری و مظلومی و حجازی مربی شدند و مجتبی هم نباید عجله کند چون روی استقلال فشار زیادی است. باید هم آستانه تحملش بالا برود و هم در کنار مربی دیگر تجربه پیدا کند تا آینده مربیگری اش تضمین شود.

■ **صحبت از حضور ماتازری است. درباره حضور احتمالی او روی نیمکت استقلال چه نظری دارید؟**
من هم شنیدم اما این هیات مدیره با سیاست خوبی سکوت را در پیش گرفتند و فعلاً مذاکره می کنند. تا وقتی اتفاقی رخ ندهد هنوز دربارش حرف نمی زنند اما مطمئن باشم در حضور آقای شریعتمداری که یک استقلالی است یک مربی صاحب سبک انتخاب می شود. اینکه مربی چه شخصیتی دارد و از کدام کشور است اهمیت دارد، مثلاً دیدید که موسسه ای یک مربی آفریقایی نمی توانست در اینجا موفق شود. اما مثلاً مربی های سمت یوگوسلاوی و اروپایی خوب هستند. مطمئنم کادر استقلالی مدیریت، گزینه خوبی می آورند

فوتبال اروپا

آخرین اخبار از دیدار حساس برگشت اینتر – بارسا

مارسینیاک داور شد، طارمی فیکس می شود؟

لواندوفسکی به دلیل مصدومیتی که روز نهم آوریل (۳۰ فروردین) در بازی مقابل سلتاویگو گریبانش را گرفت، چند بازی اخیر تیمش از جمله فینال کوپال ری برابر رئال مادرید، و بازی رفت مقابل اینتر را از دست داد اما او این شان را دارد که بازی برگشت نماینده اسپانیا را همراهی کند. نکته بعدی در مورد دیدار دیدار حساس لیگ ستارهای اروپا این است که داور اینتر، طارمی که با پیچ خوردگی میچ پادستون پنجاهم می کند، در بخش اول با گروه تمرین کرد و دوباره کنار هم تمرین هایش به کار پرداخت. این نشانه ای مثبت تلقی شده، اما امروز دوشنبه برای بازیابی واکنش هاو میزان در درج پنج ای چپ او تعیین کننده خواهد بود. از سوسی دیگر، اوتو زار مار تینز که در بازی رفت مقابل بارسلونا در هفتمین دیدار دچار کشیدگی عضله ران چپ شده، به صورت جدی کاندید تمرین می شود. با این حال، اگر کوچک ترین شانس برای حضور او در بازی سه شنبه در سن سیرو وجود داشته باشد، این بازی از او استفاده خواهد کرد و در غیر این صورت به احتمال زیاد مهدی طارمی مثل بازی رفت جانشین او خواهد شد. تست فردا برای تعیین مهاجمان اینتر یا پیر بارسا سکلیدی است.

مار کوروبیو؛ وزیر خارجه ای در مسوولیت کسینجر؟

ترامپ نیز در بیانیه ای توئیتری، هر چند با ننگه کوا تلمنت، این واقعیت را تایید کرده است. نشست بر جایگاه سترگ هنری کسینجر، نه با تکیه بر موشک بلکه با خود کار ممکن است. اگر روبیو از تجربه های نه چندان خوشایند صد روز نخست وزارتش در اوکراین، اروپا، غزه، کالادا و دیگر نقاط گفت و گو ها را در برابر دوربین های تلویزیون آشکار کند، اما برای روبیو روشن کرد که هم مقررات ان بی تی هم تجربه جهانی، کوا، حق ایران در این صنعت است. با همه این مواضع نوحفاظله کارانه، مار کوروبیو در یافته است که امریکا در موقعیتی نیست که آتش جنگی تازه در خاور میانه برافروزد. در کود اقتصادی، حتی در مورد جنگ آینده ای قطعی برای ایالات متحده است، چنان که دونالد

روزبه دلاور

به گزارش «عتماد»، پس از صعود به نیمه نهایی جام حذفی با غلبه بر پیکان، آبی پوشان یا بخت در لیگ برتر نیز با نمانشی خیره کننده و با نتیجه پر گل ۵ بر ۱ آلومینیوم اراک را در هم کوبیدند تا لیخند رضایت و شادی پس از مدت ها بر لبان هواداران این تیم بینشند. اما در حالی که این موفقیت هادر اواخر فصل به دست آمده، شنیده ها و زمزمه هایی از تصمیم باشگاه برای جذب یک مربی خارجی جدید برای فصل آینده به گوش می رسد. به نظر می رسد این تصمیم با هدف حفظ و «سنسوزاندن» مجتبی جباری برای آینده و همچنین آماده سازی هر چه بهتر تیم با یک سرمربی باتجربه برای جنگیدن جدی برای قهرمانی در فصل پیش رو اتخاذ خواهد شد. اینکه آینده تیمکت مربیگری استقلال که در این فصل شش سرمربی روی نیمکت خودش دیده به نام کدام یک از اسامی مطرح شده در بیاید فعلاً مشخص نیست اما بعضی ها می گویند شانس ماتازری، مربی مشهور ایتالیایی بیشتر از بقیه است. برای بررسی کارشناسانه از وضعیت این روزهای استقلال با رضا رجبی، بازیکن و مربی اسبق این تیم گپ و گفتی در تیب دادیم که ماحصل این گفت و گورادر زیر می خوانید.

■ **شما به عنوان مدیر آکادمی استقلال منصوب شدید؟**

هنوز حکمی صادر نشده و هر چی خدا خواهد همان می شود.

■ **در صورت انتخاب، برنامه تان برای پایه ها چیست؟**
من چند سال پیش هم بودم و برنامه های مدونی مثل تست های مختلف و ادوهای خارج از تهران و استعدادیابی داشتم، بازیکنان را از صغر تا صدیزر نظر داشتیم. مهمترین اصل همان بحث استعدادیابی است که باید تشخیص داده شود بازیکنی که امروز اینجاست، دو سال دیگر کجای فوتبال است؟ نباید وقت را هدر داد. من مدرک پرو فشنال دارم در تمام رده های پایه مربیگری کردم و شناخت کاملی در این زمینه دارم.

■ **در باره برد پر گل استقلال مقابل آلومینیوم چه نظری دارید؟**

از زمانی که هیات مدیره استقلال با برنامه ریزی آمدند، گفتم امیدوارم اسامی را با نتیجه آبرومندی در لیگ تمام کنند و در سال آینده که همین کار هم در حال انجام بگذارند برای جام حذفی. برنامه های خوبی داشت اما به لحاظ روحی مرضی بود و بازی مقابل پیکان در حذفی باعث خودداری بچه ها شد. تارو بازی با آلومینیوم که مشخص شد بچه ها به لحاظ روحی بهتر شدند و باور کردند که اینجاست استقلال است و بازیکنان استقلال هستند! خوشبختانه نتیجه خوبی کسب کردند با تنوع و نظم بیشتر. مجتبی در استقلال بازی کرده و شرایط روحی – روانی خوبی داشت و اعتماد به نفس خوبی را به تیم تزریق کرده و امیدوارم که ادامه دار باشد.

■ **بعد از حضور جباری روی نیمکت چه چیزی تغییر کرده که این تیم انگار از این روبه آن رفته؟**

فوتبال اروپا

در فاشد دو تیم اینتر و بارسا در مرحله برگشت نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا مقابل هم قرار می گیرند. دیدار رفت دو تیم در اسپانیا با تساوی سه – سه به پایان رسید. روز گذشته اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) خبری که چند روز پیش رسانه های لهستانی منتشر کرده بودند، را تأیید و اعلام کرد شیمون مارسینیاک داور سرشناس لهستانی دیدار سه شنبه شب بین تیم های اینتر و بارسلونا در دور برگشت از مرحله نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا را در ورزشگاه سن سیرو سوت خواهد زد. شیمون مارچینیاک ۴۴ ساله پیش از این دو بار دیدار بین تیم های اینتر و بارسلونا را قضاوت کرده که هر دو بازی با تساوی پایان یافته است! این در حالی است که قضاوت این داور در سه بازی گذشته اینتر در لیگ قهرمانان به ترتیب مقابل اتلتیکو مادرید یک هشتم نهایی، منچستر سیتی (فینال) و لیورپول (یک هشتم نهایی) به شکست و حذف نراتوزری انجامیده است. همچنین به گزارش نشریه مار که کادر پزشکی باشگاه بارسلونا در آستانه مصاف حساس این تیم با اینتر در دور برگشت مر حله نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا خبر خوبی به کادر فنی داد، اینکه روبرت لواندوفسکی می تواند ای و اناری پوشان را در سفر به میلان همراهی کند.

بدون برنامه تسلیحاتی به غنی سازی ارومیوم می پردازد

نخستین واکنش رسمی ایران به این اظهارات از سوی دکتر عباس عراقچی، دیپلمات متین و کارآزموده کشورمان، در شبکه اجتماعی ایکس منتشر شد. عراقچی با اشارای آرام اما کوبنده پاسخ داد: «من عادت ندارم عناصر کلیدی پروژه کشور عربستان برای جذب بازیکنان مطرح، برند خود را با سازی نمودن. در نهایت الاهلی سه سال پس از سقوط به لیگ دسته دوم اصلاح مرسوم «از فرش به عرش رسیدن» را معنا کرد و بر قله فوتبال آسیا ایستاد.

و بازیکنان این تیم که در جشن قهرمانی لیگ دسته دو تنها به سکوت کردن بسنده کرده بودند این بار با تمام آینده ای قطعی برای ایالات متحده است، چنان که دونالد

ادامه از صفحه اول

به بهانه مصاحبه مَهدی سلیمانی به روزنامه اعتماد

نگاهی انتقادی به جامعه‌شناسی عرف‌گرا



مهدی نوریان

مَهدی سلیمانی به‌عزیز در مقام یکی از کاروران این حوزه در می‌افتد و ارتباطی باشخص ایشان ندارد.مهدی سلیمانی‌هاز دوستان خوب من است و برای شخص ایشان احترام زیادی قائلم و او آموختام جامعه و عرف یکی نیستند و نمی‌توان آنها را کنار هم قرار داد. ضرورتاً آنچه در عرف می‌گذرد قابل نفیست! کلاسیک‌های جامعه‌شناسی به ما آموخته‌اند که وقتی پیوستگی‌های میان اعضای «جامعه» بعضابر مبنای سطحی‌ترین غرایز شکل می‌گیرد، صحبت از این مفهوم خیلی سخت است! این ایده که تمام نبر دها و نزاع‌های بر سر قدرت فقط در حکومت وجود دارد و عرف‌افز آن عاری است، خیال خامی بیش نیست و برآمده از این ایده است که قدرت متمرکز است نه منتشر و متکثر؛ دیدگاهی که میکرو فیزیک قدرت را اندیده می‌انگارد.

وب‌سایت «گنج‌سور» اگر تلاشی کرده داین تلاش در راستای حفظ زبان و ادبیات فارسی بوده است، نه آن‌طور که گفته شده حفظ «زبان و ادبیات این جامعه»! این خطایی است برآمده از ذهنی مرکزگرا! ایرانیان جز فارسی به زبان‌های دیگری نیز سخن می‌گویند. مهم است که این دست کم از سوی یک جامعه‌شناس محترم شمرده شود. ستایش گورگورانه از تکنولوژی یعنی چشم‌پوشی بر سیمطه یافتن نظارت شدیدی که نظام نولیبرالیستی بر انسان در سراسر جهان، از جمله ایران اعمال می‌کند؛ یعنی چشم‌پوشی بر تولید سوز-مناقضاتی که از خلال همین نظارت ممکن می‌شوند؛ یعنی چشم‌پوشی بر نابودی و مرگ خلاقیت انسانی؛ صرف‌اینکه نماند جوان باتکنولوژی آشنایند و بهتر است بگوییم بر آن غرق‌اند، نکته قابل ستایشی نیست.

گفته شده که «جامعه مدنی به‌رغم تمام فشارها و محدودیت‌ها» دارد کار خود را ادفعه‌مندانه انجام می‌دهد تا از حقوق مهاجرین دفاع کند و وضعیت کودکان کار را بهبود بخشد، اما این‌جائزگی‌های رولانی رایج در همین جامعه که خلاف این رفتار کار می‌کنند و اتفاقاً مضامندانیه هم شده‌اند و مستقل از حکومت هم هستند و بخشی از همین جامعه مدنی‌اند، نادیده انگاشته می‌شوند. نگاهمان به جامعه مدنی را باید تغییر دهیم؛ به قول کارمشی، جامعه مدنی وقتی آلوده به سلطه می‌شود باید نقد شود. جامعه مدنی که اغلب به‌عنوان سپهری برای مشارکت دموکراتیک ارگانیک پنداشته می‌شود، ممکن است ساز و کار تقویت و باز تولید هرمنی سلطه را ایفا نکند.

صحت از صندوق‌های قرض الحسنه خوادگی و دوستانه برای اینکه آدم‌ها زیر فشار اقتصادی «له» شوند هم شبیه به شوخی است. بخش زیادی از این صندوق‌ها میان طبقه متوسط تأسیس شده و اکثر اخرج «اتینا» می‌شود. در کنارش هم ماهیان سفره‌های رنگینی بخش می‌شود و چشم و هم چشمی‌هایی در آن در جریان است. اینکه تصور کنیم امور ساختمان‌ها به‌طور «خودجوش» انجام می‌شود و مدیر ساختمان به صورتی «دموکراتیک و باری‌گیری» انتخاب می‌شود و شفاهیت هزینه‌ها در ساختمان‌ها جاری است نیز اصطلاحاً از «آن» حرف‌هاست. با رجوع به شور‌های حل اختلاف در خواهیم یافت که ساختمان‌ها آن‌طور که گفته شده شباهتی به «پارلمان‌های کوچک» ندارند. وقتی یک جامعه‌شناس می‌گوید: «مخاطب قرار دادن مسوولان و تصمیم‌ایشان» کار عبثی است، یعنی از تحلیل مناسبات عاجز مانده؛ عجزی که برآمده باور به دو گانه جعلی مردم و حاکمیت است. ماجرا ساده است: دو گانه‌ای می‌سازیم و از یک طرف دفاع می‌کنیم و بر دیگری می‌شوریم، غافل از اینکه «ما» هر یک «کل» زندگی می‌کنیم که محصول «سبب» میان اجزاست! این «کل» جامعه است! این را ریمل باز بگ ما به موختاد واقع جامعه خود آن روابط است نه ظرفی که مظهر و فنی انسان هابند! جامعه‌شناس باید به تحلیل و واکاوی و نقد آن نسبت‌ها و مناسبات پیر باز دانه‌اند، اینکه گرفتار بخشی از این اجزا شود، چرا که از فهم کل باز می‌ماند.

اجازه دهید با ذکر یک مثال مساله را روشن تر کنم: صفحه سفید/روشنی را در نظر بگیرید، با تمام نقاطش فرض کنید سیاهی اتاریکی ذیل منطق و با مناسباتی خاص، دارد بر روشنایی‌های این صفحه غلبه می‌کند و چیزی می‌شود؛ یعنی مناسباتی حاکم است که دارد روشنایی را از این صفحه می‌صحنه می‌گیرد و می‌رباید. حالا شرایطی وجود دارد که بخش زیادی از این روشنایی‌ها ذیل این مناسبات به تاریکی گراییده‌اند، این به‌نظر شما وظیفه یک روشنفکر یا جامعه‌شناس (صفحه‌شناس) چیست؟ چه رسالتی بر عهده دارد؟! اینکه مناسبات سیاهی افزا را فاش کند و با نگرشی انتقادی موانع احتمالی فهم نقطه‌ها از این مناسبات را از جلوی راه بردارد و نشان دهد که چطور این مناسبات (که بخشی از آن نقاط از آن منتفع می‌شوند) روشنایی‌ها را به تاریکی تبدیل می‌کند؟ وظیفه‌اش این است یا اینکه تمام وقت خود را به ستایش از روشنایی‌ها بگذراند و مدام تلاش کند چشم خویش را روی این منطق سیاهی افزای حاکم بر این صفحه بیندازد؟! به‌نظر می‌رسد مشکل از فقدان نوعی نگاه نسبت انداست که مناسبات توجه می‌کند. ما از یک‌سور گرفتار نوعی سیاه‌نمایی (توجه صرف به نقاط تاریک) و از سوی دیگر گرفتار نوعی سفیدشویی (توجه صرف به اندک نقاط روشن بقایمانده روی صفحه) هستیم! منطبق بر این نوع جامعه‌شناسی می‌توان با منطق آنچه چند سال پیش تحت عنوان «ظنون جذب» رواج یافته بود یکی انگاشت: به چیزهای خوب فکر کن تا چیزهای خوب به‌سراغت بیایند؛ همان مثبت‌اندیشی رایج در روانشناسی‌های درام‌زور و معرفتی ناکارآمد و اتفاقاً مضرو دور افتاده و واقعیت اجتماعی که در موقعیتی گیلخانی‌که براف خودش ایجاد کرده است، زیست می‌کند!

هر یک از نقدهایی که اینجا مطرح می‌شود نیازمند شرح و بسط مفصل تری است که به جهت ضیق فضای نوشتاری، صرف‌ادر حد اشاره از آنها عبور می‌کنم. این راهم همین جا بگویم که این یادداشت انتقادی با اندیشه جامعه‌شناختی

نام سیدحسین سراج‌زاده را پیش تر شنیده بودم ولی گمان کنم اولین بار در کنفرانسی در اواخر دهه شصست یا اوایل دهه هفتاد بود که شنونده سخنرانی او شدم؛ سخنرانی‌ای درباره فرهنگ جامعه‌شناسی سیاسی ایران. که تا امروز تصویر سراج‌زاده را برابم شکل داده‌اند، علمی سخن گفت، شجاعانه وضعیت نامساعد آن روزگار را نقد و این هر دو را با متانت و آرامش همراه کرد. اگر کسی از من درباره خصوصیات سراج‌زاده سوال کند، همچنان همین سه خصوصیه را خواهم گفت.

پس از آن، زمانی که سراج‌زاده با تمام دوره دکتری به ایران باز گشت، فرصت بیشتری یافتم تا او را از نزدیک ببینم و هم‌کلام بشویم و در فعالیت‌های پژوهشی همکاری کنیم. آنچه در این ارتباط در یافت‌همان تصویری بود که پیش‌تر در ذهنم همچنان همانی بود که در سخنرانی دیده بودم بی آنکه خطوط اصلی آن تغییر کرده باشد. هر چند سراج‌زاده از دوستی عزیز می‌دانم ولی در اینجا قصد ندارم به تمجید از ویژگی‌های شخصی او بپردازم. آنچه برای من در خور تامل است، ترکیبی است که او میان زندگی حرفه‌ای و فعالیت اجتماعی ایجاد کرده است یا به بیانی دیگر، ترکیبی میان نقش علمی و مسوولیت اجتماعی. سراج‌زاده توانسته است این دو حوزه را به گونه‌ای با یکدیگر بیاమیزد که نه در مقام علم، هم‌سولیت اجتماعی را از یادببرد و نه در مقام کنشگر اجتماعی که برای خیر عمومی تلاش می‌کند؛ از اصول و موازین علمی فاصله بگیرد. این ترکیب، یک جمع جبری ساده نیست، بلکه به تعبیر شمدیان، ترکیبی «عالی» است که مهارتی آگاهانه پشت آن قرار دارد. تامل در چنین تجربه‌ای تنها ستایش فردی نیست، بلکه راهی برای فهم جایگاه جامعه‌شناس در میدان اجتماعی و سیاسی ایران است. به ویژه آنکه ا به می‌بینم با وقوع جنبش‌ها یا اعتراضات سیاسی اجتماعی، این پرسش را بارها در رسانه‌ها و در فضای روشنفکری و دانشگاهی تکرار می‌شود: «جامعه‌شناسان کجا هستند؟»

چرا جامعه‌شناسان در بزنگاهایی همچون جنبش‌های اجتماعی، بلا یای طبیعی یا حتی هنگام اتخا دسیاست‌های به‌ظاهر غیر اجتماعی مانند تصمیمات اقتصادی از سوی وجدان عمومی احضار می‌شوند؟ به‌نظر می‌رسد که جامعه‌شناس، در تصور عمومی باید نقشی دو گانه ایفا کند:



نوریا باخشی

قرارداد ۱۹۰۷ مربوط به صحنه‌های شوم رقابت سیاسی و اقتصادی روس و انگلیس در ایران است که در سال‌های دوره پادشاهی فتحعلی شاه تا انقلاب مشروطه شکل گرفت. حوادث و وقایع ناشی از این رقابت زبان‌های جبران‌ناپذیری را به کشور و ملت ما وارد آورد. این رقابت و کشمکش در دوره انقلاب مشروطه ایران نیز ادامه داشته و به‌صورت‌های مختلف جلوه کرده است. دولت روسیه تزاری رژیم استبدادی و دستگاه سلطنت قاجار را تقویت می‌کرد و امپریتانیایم خواست با کمک به نهضت مشروطه خواهی ایران، بحالت همران انقلاب ایران راه را برای آن نفوذ هر چه بیشتر در رژیم جدید برای خود باز کند و از طرفی نیز جنایات سیاسی خود را که تا آن روز در ایران مرتکب شده بود، کم‌رنگ جلوه بدهد. اما پیشامدها حوادث بین المللی انگلستان را به سمتی سوق داد که بزرگ‌ترین جنایت تاریخی در باره ایران عقد قرارداد ۱۹۰۷ را مکرر شد. اوارد پروان انگلیسی در کتاب تاریخ ایران قسمنی از مقالات جراید ایران و اروپا را درباره قرارداد نقل کرده است.



سلوک جامعه‌شناسانه به روایت سراج‌زاده

جامعه‌شناس مردم‌مدار

جامعه موجودیتی مستقل است

از یک‌سو، چونان یک عالم که بتواند واقعیت اجتماعی را با دقت‌وبی‌طرفی تحلیل کند و از سوی دیگر مانند یک مصلح یا کنشگر عمومی که باید برای بهبود وضعیت راهی نشان دهد یا دست کم موضوعی مسوولانه اتخاذ کند. این مساله البته تنها به جامعه‌شناسان ایرانی محدود نمی‌شود. جامعه‌شناس فقید امریکایی، مایکل بورویو که در ایران بیش از هر چیز به واسطه تقسیم‌بندی اش از انواع جامعه‌شناسی شناخته شده- همین تنش را به نحوی دیگر صورت‌بندی کرده است. به‌زعم او، جامعه‌شناسان باید میان سه عرصه آکادمی، مردم، نظام قدرت (یا دستگاه‌های سیاست‌گذاری) تصمیم بگیرند که در کدام فضا عمل کنند و یا این هر دو را با متانت و آرامش همراه کرد. اگر کسی از من درباره خصوصیات سراج‌زاده سوال کند، همچنان همین سه خصوصیه را خواهم گفت.

پس از آن، زمانی که سراج‌زاده با تمام دوره دکتری به ایران باز گشت، فرصت بیشتری یافتم تا او را از نزدیک ببینم و هم‌کلام بشویم و در فعالیت‌های پژوهشی همکاری کنیم. آنچه در این ارتباط در یافت‌همان تصویری بود که پیش‌تر در ذهنم همچنان همانی بود که در سخنرانی دیده بودم بی آنکه خطوط اصلی آن تغییر کرده باشد. هر چند سراج‌زاده از دوستی عزیز می‌دانم ولی در اینجا قصد ندارم به تمجید از ویژگی‌های شخصی او بپردازم. آنچه برای من در خور تامل است، ترکیبی است که او میان زندگی حرفه‌ای و فعالیت اجتماعی ایجاد کرده است یا به بیانی دیگر، ترکیبی میان نقش علمی و مسوولیت اجتماعی. سراج‌زاده توانسته است این دو حوزه را به گونه‌ای با یکدیگر بیاమیزد که نه در مقام علم، هم‌سولیت اجتماعی را از یادببرد و نه در مقام کنشگر اجتماعی که برای خیر عمومی تلاش می‌کند؛ از اصول و موازین علمی فاصله بگیرد. این ترکیب، یک جمع جبری ساده نیست، بلکه به تعبیر شمدیان، ترکیبی «عالی» است که مهارتی آگاهانه پشت آن قرار دارد. تامل در چنین تجربه‌ای تنها ستایش فردی نیست، بلکه راهی برای فهم جایگاه جامعه‌شناس در میدان اجتماعی و سیاسی ایران است. به ویژه آنکه ا به می‌بینم با وقوع جنبش‌ها یا اعتراضات سیاسی اجتماعی، این پرسش را بارها در رسانه‌ها و در فضای روشنفکری و دانشگاهی تکرار می‌شود: «جامعه‌شناسان کجا هستند؟»

چرا جامعه‌شناسان در بزنگاهایی همچون جنبش‌های اجتماعی، بلا یای طبیعی یا حتی هنگام اتخا دسیاست‌های به‌ظاهر غیر اجتماعی مانند تصمیمات اقتصادی از سوی وجدان عمومی احضار می‌شوند؟ به‌نظر می‌رسد که جامعه‌شناس، در تصور عمومی باید نقشی دو گانه ایفا کند:



سلوک جامعه‌شناسانه به روایت سراج‌زاده

جامعه‌شناس مردم‌مدار

جامعه موجودیتی مستقل است

از یک‌سو، چونان یک عالم که بتواند واقعیت اجتماعی را با دقت‌وبی‌طرفی تحلیل کند و از سوی دیگر مانند یک مصلح یا کنشگر عمومی که باید برای بهبود وضعیت راهی نشان دهد یا دست کم موضوعی مسوولانه اتخاذ کند. این مساله البته تنها به جامعه‌شناسان ایرانی محدود نمی‌شود. جامعه‌شناس فقید امریکایی، مایکل بورویو که در ایران بیش از هر چیز به واسطه تقسیم‌بندی اش از انواع جامعه‌شناسی شناخته شده- همین تنش را به نحوی دیگر صورت‌بندی کرده است. به‌زعم او، جامعه‌شناسان باید میان سه عرصه آکادمی، مردم، نظام قدرت (یا دستگاه‌های سیاست‌گذاری) تصمیم بگیرند که در کدام فضا عمل کنند و یا این هر دو را با متانت و آرامش همراه کرد. اگر کسی از من درباره خصوصیات سراج‌زاده سوال کند، همچنان همین سه خصوصیه را خواهم گفت.

پس از آن، زمانی که سراج‌زاده با تمام دوره دکتری به ایران باز گشت، فرصت بیشتری یافتم تا او را از نزدیک ببینم و هم‌کلام بشویم و در فعالیت‌های پژوهشی همکاری کنیم. آنچه در این ارتباط در یافت‌همان تصویری بود که پیش‌تر در ذهنم همچنان همانی بود که در سخنرانی دیده بودم بی آنکه خطوط اصلی آن تغییر کرده باشد. هر چند سراج‌زاده از دوستی عزیز می‌دانم ولی در اینجا قصد ندارم به تمجید از ویژگی‌های شخصی او بپردازم. آنچه برای من در خور تامل است، ترکیبی است که او میان زندگی حرفه‌ای و فعالیت اجتماعی ایجاد کرده است یا به بیانی دیگر، ترکیبی میان نقش علمی و مسوولیت اجتماعی. سراج‌زاده توانسته است این دو حوزه را به گونه‌ای با یکدیگر بیامیزد که نه در مقام علم، هم‌سولیت اجتماعی را از یادببرد و نه در مقام کنشگر اجتماعی که برای خیر عمومی تلاش می‌کند؛ از اصول و موازین علمی فاصله بگیرد. این ترکیب، یک جمع جبری ساده نیست، بلکه به تعبیر شمدیان، ترکیبی «عالی» است که مهارتی آگاهانه پشت آن قرار دارد. تامل در چنین تجربه‌ای تنها ستایش فردی نیست، بلکه راهی برای فهم جایگاه جامعه‌شناس در میدان اجتماعی و سیاسی ایران است. به ویژه آنکه ا به می‌بینم با وقوع جنبش‌ها یا اعتراضات سیاسی اجتماعی، این پرسش را بارها در رسانه‌ها و در فضای روشنفکری و دانشگاهی تکرار می‌شود: «جامعه‌شناسان کجا هستند؟»



حسین سراج‌زاده

جامعه‌شناس فقید امریکایی، مایکل بورویو – که در ایران بیش از هر چیز به واسطه تقسیم‌بندی اش از انواع جامعه‌شناسی شناخته شده – همین تنش را به نحوی دیگر صورت‌بندی کرده است. به‌زعم او، جامعه‌شناسان باید میان سه عرصه آکادمی، مردم، نظام قدرت (یا دستگاه‌های سیاست‌گذار) تصمیم بگیرند که در کدام فضا عمل کنند و با چه نوع مخاطبی سخن بگویند.

نوشت: «در این نوشته به عنوان یک شهروند تلاش کرده‌ام شرایط کنش انتخاباتی معنی‌دار را توضیح دهم.» همین رویکرد به روشنی دیده می‌شود. در سال ۱۳۹۹ شهرداری تهران یکی از پروژه‌های شهری را افتتاح کرد، اما ساکنان محلی به‌اجرای آن اعتراض داشتند. سراج‌زاده یادداشتی

در روزنامه، این پروژه و سیاست شهری را نقد و عنوان یادداشتش را چنین انتخاب کرد: «شنیدن صدای مردم در طرح‌های شهری»! این یادداشت به روشنی شیوه کنشگری او را نشان می‌دهد. او می‌نویسد: «علوم اجتماعی، به‌قولی بازتاب‌دهنده ارزش‌های جامعه و صدای مردم در برابر ارزش‌های اقتصادی و بازار و ارزش‌های سیاسی و قدرت است. کنشگران و پژوهشگران علوم اجتماعی با مطالعات و کنش‌های جامعه‌شناختی مردم‌دارانه یا سیاسی‌گذارانه، این ارزش‌ها را بازتاب می‌دهند. مدیران شهری، اگر شهر را برای زندگی مردم می‌بینند و می‌خواهند و چنانچه در اداره شهر به سه‌رمایه اجتماعی و اعتماد شهر و ندان به خود اهمیت می‌دهند، باید به مطالعات اجتماعی برای آگاهی از دیدگاه‌های مردم و نیز به مطالعات ارزیابی تاثیر اجتماعی و فرهنگی (اثاث) برای اجرای طرح‌های شهری اهمیت بدهند و هیچ طرحی را بدون چنین مطالعاتی و بدون به کار بستن در دست‌نایج این طرح‌ها اجرا نکنند. آنها همچنین لازم است صدای مطالبات مردم و جامعه مدنی را از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه‌شناسان مردم‌مدار بشنوند و به آنها اهمیت بدهند.»

در این یادداشت سراج‌زاده در نقش جامعه‌شناس فراتر از توصیف‌کننده وضع موجود قرار می‌گیرد. او صدای مردم را با تحلیلی جامعه‌شناسانه به زبانی قابل فهم برای تصمیم‌گیران ترجمه می‌کند و کنشگری صرف نیست که فقط به مخالفت مردم پژواک دهد و مخالفت آنها را تکرار کند، بلکه تلاش می‌کند در تحلیل یک وضعیت خاص، مفاهیم جامعه‌شناسی را به کار گیرد و ضرورت بیشن جامعه‌شناسانه را در تصمیم‌گیری نشان دهد.

در مقاله‌ای دیگر که در سال ۱۴۰۲ با عنوان «این جنگ مغلوبه است، نظام حکمرانی و مساله حجاب» چنین نوشت: «از منظر اجتماعی هم می‌توان استدلال کرد هنجارهای اخلاقی که جنبه فرهنگی دارند لزوماً نباید به قانون تبدیل شوند. بسیاری از هنجارهای اخلاقی را جامعه با ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود، رواج می‌دهد و با اجبار قانونی فرض کنیبر، رشتی اخلاقی و حرمت‌بی‌حجابی به همان اندازه دروغ‌گوینی و غیبت کردن باشد که مطابق احادیث و روایات دینی چنین نیست، مگر می‌شود برای جلوگیری از چنین هنجارهای پسندیدهای قانون نوشت و نیروی پلیس را صرف اجرای آن کرد؟ اگر مکانیسم‌های جامعه‌پذیری و آموزشی جامعه نتوانند اکثریت افراد و به‌خصوص نسل‌های جدید را نسبت به هنجار اخلاقی خاصی باورمند و ملتزم کنند، بدون تردید اجبار قانونی هم از عهده‌ای کار بر نمی‌آید.»

این دو نوشته با وجود تفاوت موضوع دارای یک بنیاد فکری مشترکند: در اولی بر شنیدن صدای مردم و لزوم توجه به مطالعات اجتماعی در سیاست‌گذاری شهری تأکید شده است. در دومی، از بی‌حاصل بودن اجبار قانونی برای ترویج هنجارهای فرهنگی گفته شده است. هر دو بر این باور مشترک است که جامعه موجودیتی مستقل است که نه می‌توان نادیده‌اش گرفت و نه می‌توان با اجبار به هر شکلی در او وارد. در یادداشتی دیگر درباره انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ چنین نوشت: «غلب مخالفان و موافقان شرکت در انتخابات به‌خاطر خیر عمومی و مصالح کشور در باره این موضوع نظر داده و عمل می‌کنند و نظر و عمل هر دو گروه به عنوان مردم ایران محترم است. این احترام متقابل در گفت‌وگو و عمل، خود‌تمرینی است برای به‌رسمیت شناختن تفاوت‌ها که لازمه آینده نظام مردم‌سالار ایران است و آن را می‌سازد.» بر اساس این سه نمونه از نوشته‌های سراج‌زاده می‌توان سه اصل بنیادین اندیشه و عمل او را استخراج کرد:

نخست، اعتقاد به روایتی از جامعه‌شناسی مردم‌مدار که صدای مردم را بازتاب دهد. دوم، به‌یادآوری و ظرفیت‌های درونی جامعه برای مواجهه با مشکلات و حل مسائل بدون تحمیل وجا ب؛ و خواه در سیاست شهری، خواه در موضوعی مثل حجاب یا انتخابات، معیار نهایی را مشارکت و تصمیم‌مردم می‌داند. سوم، تعهد و اعتقاد به دموکراسی به عنوان فرآیندی تدریجی که از خلال تمرین احترام متقابل و پذیرش تنوع و تکرار اجتماعی شکل می‌گیرد. در هر سه متن سراج‌زاده درسیما به‌عنوان مفاهیم ظاهری می‌شود که کنش اجتماعی و سیاسی را با ر که عمیق جامعه‌شناسانه پیوند می‌زند. از دید او جامعه‌شناسی فقط دانشی برای آموختن در دانشگاه نیست، بلکه نوعی آگاهی و پژوه است که به‌ما کمک می‌کند در جامعه متحرک و در حال تحول با همه تفاوت‌ها کنار هم زندگی کنیم. این بیانی از همان تصویر است که در ابتدای این نوشته نقل کردم: سلوکی جامعه‌شناسانه به روایت سراج‌زاده.

واکاوی انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ بین روسیه و انگلیس در آثار نویسندگان خارجی

به بهای قربانی شدن استقلال ایران

انقلاب مشروطه باعث اشتعال آتش انقلاب در هندوستان بود و این موضوع موجب هراس انگلستان را در پی داشت و این امر باعث شد که در دیپلماسی خود نسبت به نهضت آزادی خواهی ایران تجدیدنظر کند و این امر را علت اساسی سازش روس و انگلیس و عقد قرارداد ۱۹۰۷ می‌داند و اینکه بین سیاست انگلیس و روسیه در مورد اربان تفاوت اصولی وجود دارد، کاملاً یک تفاوت ظاهری بیش نیست. دولت بریتانیا علان‌نشان داد که هرگز خواه‌و‌خواه رژیم مشروطه پارلمانی نبوده فقط می‌خواسته جنایات خود درباره ایران را همیشه با دستکش سفید مرتکب شود و وقتی پای منافع خاص خود مطرح شد از پشت سر به ایران خنجر زد و ملت ایران را به روسیه یعنی دشمن سر سخت آزادی و استقلال ایران فروخت. پایان بازی بزرگ و کاشش تنش‌های استعماری مورخانی مانند پتر هاپکر که در کتاب بازی بزرگ به‌مبارزه امپراتوری‌ها در آسیای مرکزی تأکید می‌کنند که این قرارداد نقطه پایانی بر رقابت‌های طولانی روسیه و بریتانیا در منطقه‌ای از ایران تافغانستان و تبت بود که رستوفر کلاک در کتاب خواب‌گردها، چگونه اروپا در سال ۱۹۱۴ به جنگ جهانی اول رفت، اشاره می‌کند که قدرت روزافزون آلمان، بریتانیا و روسیه را به هم نزدیک

گسست از هستی



فاطمیما احمدی

امیل چوران، نویسنده و متفکر رومانیایی فرانسوی، از جمله صداهای نادر در فلسفه مدرن است که با لحنی شاعرانه، بی‌رحمانه و گاه نیهیلیستی، به هستی انسانی می‌تازد. او را نه می‌توان به‌تمامی فیلسوف دانست، نه ادیب، نه شاعر و نه عارف، اما در عین حال، همه این وجوه را در خود دارد. آثار چوران، در مرز میان فلسفه، شعر، نغزین و دعا ایستاده‌اند. «سقوط در زمان» یکی از متاخر ترین کتاب‌های او، در خشان‌ترین جلوه همین وضعیت تعلیقی است؛ کتابی که نه فقط اندیشه، بلکه هستی خواننده را به چالش می‌کشد. این کتاب با ترجمه محمدصادق ربیسی از سوی نشر سولار منتشر شده است.

چوران در سال ۱۹۱۱ در رومانی به دنیا آمد، اما زندگی فکری‌اش را در پاریس ادامه داد و بیشتر آثار مهمش را به زبان فرانسه نوشت. او از فلسفه آلمانی، به‌ویژه شوپنهاور و نیچه تغذیه کرد؛ اما با زبان و سنت فرانسوی، بیانش را شاعرانه و گزیده ساخت. چوران خود را از هر ایدئولوژی، ایمان، امید و نجات‌ها می‌کرو و به جای آن، فلسفه‌ای از سقوط، از خستگی هستی، از خشم نسبت به وجود ا را به می‌داد. در این میان، «سقوط در زمان» نقطه اوج اندیشه چورانی است: اثری کوتاه، اما سنگین و پرتیش که در آن واژه‌ها می‌سوزند، نه فقط می‌نویسند.

کتاب، در اصل مجموعه‌ای است از قطعه‌های فکری، یادداشت‌های بلند، تاملات و گاهی متولوگ‌های شاعرانه درباره زمان، آگاهی، مرگ، خلقت و مهم‌تر از همه، «ورود انسان به تاریخ». چوران این ورود را نه به‌مثابه پیشرفت که به عنوان «تکت اصلی انسان» تفسیر می‌کند. تا زمانی که انسان، همچون حیوانات، در بی‌زمانی طبیعت می‌زیست، آسوده بود. اما آگاهی به زمان – به آینده، مرگ، زوال – سقوطی بود اجتناب‌ناپذیر. از آن لحظه، انسان دچار تاریخ شد. دچار پیش‌بینی و حسرت و ترس، دچار آینده.

به تعبیر چوران، انسان موجودی است که «دیگر نمی‌تواند حیوان باشد، اما هنوز خدانشده است.» در این منطقه برزی، سرگردان و بی‌قرار، فقط پنج می‌برد. «سقوط در زمان»، گزارش این برزخ است؛ پرسه‌ای در میان خرابه‌های امید و ویرانی ایمان، با زبانی که هم‌زمان دند و لطیف است.

چوران در این اثر، با پرسه‌احتی خیره‌کننده، به ایده خلقت می‌تازد. او نمی‌پرسد چرا خدا جهان را خلق کرد، بلکه با شنیدن سرزنشگر، این خلقت را خطایی بنیادین می‌داند: «خلقت را نمی‌توان توجیه کرد، تنها می‌توان آن را نشکام داد.» این جمله‌ها، به‌رغم تلخی‌شان، نوعی شور حیات در خود دارند؛ گویی نویسنده در اوج انزجار از هستی باز هم می‌تواند از آن دل بکند. چوران همچون عاشقی زخمی، به زندگی ناسزای گوید، اما نمی‌تواند دوستش نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین موضوعات کتاب، مساله «زمان آگاهانه» است؛ یعنی وقتی انسان بر خلاف حیوان، متوجه می‌شود که زمان می‌گذرد که مرگ در راه است و هیچ چیز پایدار نیست. این آگاهی، به تعبیر چوران، بدترین مجازات بشری است. او در جایی می‌نویسد: «آگاهی از زمان، یعنی آگاهی از نابودی.» و شاید برای همین است که از نظر او، هر تفکر اصیل، با میل به انکار زمان آغاز می‌شود یا به‌رهایی از آن، همچون در عرفان و مراقبه‌های شرقی.

چوران در سراسر کتاب، با سنت‌های فلسفی گوناگون گفت‌وگو می‌کند، اما نه به شیوه جدلی یا تحلیلی، بلکه بیشتر بسان شاعری که در گورستان فیلسوفان قدم می‌زند. از بودا تا نیچه، از عرفان شرق تا پوچی غرب، ردپای همه در کتاب هست، اما در نهایت، صدای خود چوران است که می‌ماند؛ صدای لرزان، زخمی، اما شفاف. منتقدان فلسفی معاصر، چوران را در کنار نیچه، شوپنهاور و کی‌رگکور قرار می‌دهند، اما تفاوت‌هایی بنیادین. اگر نیچه به بازگشت ابدی و اراده معطوف به قدرت می‌رسد، اگر شوپنهاور با هنر و اخلاق، مسکنی برای رنج هستی می‌یابد و اگر کی‌رگکور با ایمان، از اضطراب عبور می‌کند، چوران هیچ پناهی نمی‌پذیرد. او بی‌پرده، در مرکز تاریکی می‌نشیند و از آن می‌نویسد: «سقوط در زمان» از نظر ساختاری، بیش از آنکه کتابی منسجم با فصل‌بندی روشن باشد، شبیه دفترچه‌ای از زخمه‌های تیره است. جملاتش کوتاه، اما سنگینند. زبان او سرشار از ایجاز، استعاره و گاهی حتی طنزی سرد و پنهان است. این زبان، خواننده را دعوت نمی‌کند؛ بلکه از او می‌طلبد که در رنج تامل کند، نه برای رهایی، بلکه برای زیستن در وهشاری.

چوران به‌فصل برای زیستن در وهشاری. «سقوط در زمان» نیز در ترجمه‌ای قابل تامل در دسترس است. اما باید گفت که در عمق زبان چوران، به‌ویژه در نشر فرانسوی‌اش، دشوار و نیازمند ترجمه ادبی و فلسفی بالاست. با این حال، حتی در ترجمه، می‌توان تنش‌ها، فریادها و نجاهای بی‌قرایی این اثر را حس کرد. در نهایت، «سقوط در زمان» کتابی است برای آنهایی که دلشان از پاسخ‌های ساده خسته است، برای کسانی که پرسش را به آرامش ترجیح می‌دهند و با تاریکی آشناند. این کتاب، فلسفه نیست به‌معنای سنتی‌اش؛ بلکه گونه‌ای زیستن در مرزهاست. چوران نمی‌خواهد به ما بآموزد؛ نمی‌خواهد امید بدهد یا راه نجاتی نشان دهد؛ او فقط می‌خواهد در کنار بنشیند، در سکوت و آهسته بگوید: «همی‌فهمم»

روزنامه‌نگار



حسین سراج‌زاده

سقوط در زمان

اهمیت زمان توافق

تمام نیروهایش را در دنیا به کار می‌گیرد که در این فرآیند خلل ایجاد شود. از جنگ‌های روانی گرفته تا حتی ممکن است برخی افراد را ترور و جنگ‌های سایبری را شروع کند. بنابراین یک طرف اسرائیل را داریم که قطعاً از این موضوع متضرر است و تلاش‌های بسیاری را خواهد کرد که مذاکرات به نتیجه نرسند و از فرصتی که در لبنان و سوریه برایش به وجود آمده، تلاش می‌کند جایگاهی را در لبنان و سوریه تحکیم کند که نهایتاً بتواند در درازمدت با منافع ایران مقابله کند. گروه دو مخالفان در ایران اصطلاحاً کاسیان تحریم هستند که لزوماً ایرانی نیستند و از نظر بخش عمده‌ای از این افراد مافیایی است که در امریکا، اسرائیل، چین، اروپا، روسیه و... هستند. وقتی عنوان می‌شود بخش اعظمی از تجارت ایران از طریق دوبی عبور می‌کند، تصور دارید این حجم جابه‌جایی کالا یا پول از دوبی صورت بگیرد و سیستم امنیتی که می‌دانیم دوبی جایی است که همه سرویس‌های جاسوسی دنیا آنجا مستقر هستند، اما وقتی مدت ببقند و آنها مطلع نباشند؟ چه کسی می‌رود، چه مذاکراتی صورت می‌گیرد.

■ کاسیان تحریم آیا منافی دارند؟

بله، در واقع اگر بگوییم هزینه مبادله بعد از شروع تحریم‌ها حدود ۲۵-۲۰ درصد تجارت ایران است، حالا فروش نفت باشد یا کالای غیرنفتی و اگر کل جمعیت تجارتی ایران را ۱۵۰-۱۴۰ میلیارد دلار در سال در نظر بگیریم، ۲۵ درصدش رقم بسیار قابل توجهی است و حدود ۳۶-۲۵ میلیارد دلار در سال است. اگر شش ماه و یک سال بود مشکلی نبود، اما وقتی مدت طولانی تکرار شده، ذی‌نفعان بسیار بزرگی پیدا کرده. آنها شبکه‌ای هم در داخل ایران دارند. نکته بسیار مهم اینکه شبکه کاسیان بین‌المللی تحریم در بیرون، در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری ایران و سایر کشورها نفوذ دارند. این‌طور نیست که آنها مطلع نباشند، همه اطلاعات در سطح دنیا در اختیارشان است. اینکه من می‌گویم زمان به نفع ما نیست به خاطر این است که می‌توانند همدیگر را طی زمان پیدا کرده و علیه توافق عمل کنند. قطعاً عوامل هم در داخل ایران دارند که به نظر دسته چندم هستند نسبت به عواملی که در بیرون ذی‌نفعند. وقتی مجبور هستی نفت را با قیمت پایین‌تر بفروشی د مابه‌التفاوت لزوماً به جیب دلالتان ایرانی نمی‌رود. بخش عمده‌ای از این مابه‌التفاوت را مافیای بیرون تصاحب می‌کند و بخشی هم به دلالتان ایران می‌رسد. بنابراین کاسیان تحریم به مفهوم بین‌المللی‌اش قطعاً موافق جمع شدن این سفره نیستند و دنبال این هستند که سفره همچنان پهن باشد.

■ تجربیات شما اگر قرار بود زمانی برای این مذاکرات با تمام داده‌ها و مطالباتی که ترامپ در خصوص تسریع در مذاکرات مطرح کرده، داده‌های موجود در چه بازه زمانی می‌توان مذاکرات را به نتیجه رساند؟

تجربیه‌ای که در خرید هواپیما داشتیم، جالب بود. اگر بخواهم از این تجربه گر تهررداری کنم، مذاکرات با اروپایی‌ها بسیار دقیق و طاقت‌فرسا است، چون نسبت به نکات حقوقی بسیار ریزبین هستند و برای تمام سناریوهای مختلف شکل حقوقی بدهند و راه‌حل پیدا کنند. حال اینکه امریکایی‌ها دنبال این هستند که وقتی اصل قضیه را توافق کردند با دقت حدود ۹۵ درصد مساله‌شان حل است. برعکس اروپایی‌ها که با دقت بالای ۹۹٫۹۹ کار می‌کنند.

■ منظور شما خرید ایراس و بویینگ است؟

دقیقاً وقتی از خرید بویینگ بحث می‌کنیم، مذاکرات بویینگ هفت، هشت ماه بعد از مذاکرات ایراس شروع و یک روز قبل از ایراس قراردادش امضا شد. در واقع امریکایی‌ها در توافق و مذاکره خیلی سریع هستند و مثل اروپا خیلی به حاشیه نمی‌روند. این نکته بسیار مهم است. تصور من این است که چون طرفین می‌دانند دنبال چه هستند این بار پیچیدگی مذاکرات کمتر است. اهمیت زیادی دارد، اما پیچیدگی‌اش نسبت به مساله برجام کمتر است. اگر اراده‌ای قرض و محکم باشد - که هست- متافسانه برو کراسی ما خیلی کند است و مراحل تصمیم‌سازی در ایران خیلی خیلی زمانبر است برعکس امریکا که خیلی سریع است، از نظر من زمان می‌تواند خیلی کوتاه باشد. نکته‌ای که می‌تواند به کوتاه‌شدن زمان کمک کند مذاکره با قبای امریکاست، چون باید هر زمان مذاکره شود. وقتی با بویینگ مذاکره را شروع کردیم، بر روند مذاکرات‌مان با ایراس به‌شدت تأثیر داشت، چون ایرایس تصور می‌کرد تنها فروشنده است و خیلی آرام پیش می‌رفت، وقتی متوجه شد فروشنده دیگری هم هست، سرعش را زیاد کرد. پیشنهاد من این است که باید بلافاصله مذاکرات ایران با اروپا شروع شود و نزاعی که بین ایران و اروپا بعد از مساله اوکراین پیش آمد، حل شود که این رقابت ایجاد شود. البته که باید مرتب چین، روسیه و کشورهای منطقه را در جریان روند مذاکرات قرار داد.

■ آیا می‌توان دیدار آقای پزشکیان با ترامپ را متصور شد؟ یا اینکه در حضور آقای ویتکاف در ایران مطرح شده که ایشان اشاره کرده‌اند آمادگی حضور در ایران را دارند. چنین مناسبات ارتباطی را می‌توان متصور شد؟

از نظر من بله، چون تمام مذاکرات با بویینگ را در تهران انجام دادیم. تمام مذاکرات ایران هم بر مذاکرات بودند. تصور من این است که این کار هم شدنی و هم خوب است. این اقداماتی می‌تواند شدت اراده و واقعی بودن اراده طرفین را برای اینکه دوره و صفحه جدیدی را در تاریخ ایجاد کنیم، به ملت‌ها نشان دهیم که به‌نحوی احساس کنند در بازی هستند.

درباره صنعت بازی‌های

ویدیویی

از مرده این صنعت هم استفاده مطلوب خود را ببرند. از طرفی هم یاد سخنان یکی از نمایندگان پیشین مجلس اقدام که زمانی نه چندان دور مدعی شده بود: «در شرایطی که نفتمان را می‌خواهند تحریم کنند باید صادرات بازی‌های رایانه‌ای را جایگزین نفت کنیم.» و یاد افتاد که همان موقع هم به این می‌اندیشیدم که سنگ بزرگ نشانه نژدن است، آن زمان‌هایی که خودم در زمینه طراحی و تولید بازی‌های ویدیویی کار می‌کردم و از چنین ادعاهای کم‌ضربه ندیدم. هر جایی که برای استخدام شدن می‌رفتم صحبت سازندگان بازی ویدیویی در ایران بد نبود، به جای پیشرفت به چنین وضع فلاکت‌باری در این صنعت رسیده‌ایم و جوابی نبود. زمانی به این فکر افتادم که خودم آستین را بالا بزنم و کاری کنم. نخستم و تمام محیط دانشگاه تبریز از حیاط و دانشکده‌ها و سلفا گرفته تا سردر ورودی آن و موتورخانه مرکزی و هر چیزش را مدل‌سازی کردم و در این شهری که ساختم می‌شد قدم زد؛ سوار ماشین‌های ایرانی شد و هر جایی رفت. بردم دانشگاه تبریز تا قراردادی ببندم و اولش خیلی استقبال کردند، اما بعد انفعال قرار داد را در جلسه معاونت فرهنگی دانشگاه رد کردند؛ به این بهانه که این بازی هیچ پیام فرهنگی و ارزشی با خود ندارد! ناچار پیش رییس مرکز رشد و نوآوری دانشگاه که زمانی هم استادم شده بود، رفتم و او نامه‌ای به معاونت اداره ورزش و جوانان استان نوشت و به من گفت که آنها حمایت می‌کنند و بودجه دارند و ... اما پاسخ معاون اداره ورزش و جوانان استان بسیار عجیب و ناامیدکننده اما به یادماندنی بود، مدعی شد: «ما در زمینه اشتغال جوانان و یکی هم در زمینه ازدواج جوانان بازی می‌خواهیم.» آنچه در واقعش، این بود که با مسوولانی با طرز تفکر اینچنینی نمی‌توان به ادامه حیات یا به بیان دقیق‌تر به احیای صنعت بازی‌های ویدیویی در ایران امید داشت؛ مسوولانی که در شرایط نبود بودجه کافی و تخصص مورد نیاز سخت به دنبال باشند، م‌ت‌ور قدر تمندی داشته باشد؛ لگ به‌در دندخور که توجه هیچ گیم‌ر نوجوانی را به خود جلب نمی‌کند، تبلیغات خود را انجام دهند؛ رزومه‌ای برای خود بسازند و به مسوولیت‌هایی بالاتر در ادارات پردرآمدتر اربا بقا یابند؛ گویی هرگز نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بدانند که گیم‌ر هرگز نوجوان از یک بازی ویدیویی انتظار دارند گرافیک بالایی داشته باشد؛ طراحی‌اش و کارگردانی‌اش حاصل خواندن کتاب‌های بسیار و تجربه کافی در این زمینه باشد؛ موتور قدر تمندی داشته باشد؛ لگ نرند؛ باگ و کلیچ نداشته باشد؛ در قسمت آنلاین سرورهای قدر تمندی داشته باشد؛ در حالی که در ایران پلتفرم‌های انتشار همچون استیم به راحتی فیلتر می‌شوند؛ شبکه اجتماعی بازی‌ها یعنی اسکورده به سه سالی است که فیلتر است. باید توجه داشت که یک شرکت بسیار قدرتمند و ناشر بازی‌ها که در فرانسه قرار دارد به خاطر ایرادات فنی‌اش که گاهی اوقات در بازی‌هایش ظاهر می‌شود به شدت مورد تمسخر گیم‌رهای نوجوان است. بر آوردن نیازهای گیم‌رهای نوجوان تخصص و بودجه‌ای کافی می‌خواهد نه اینکه با مدیر و مسوول کردن افرادی که هیچ تخصص و تعهدی ندارند و تنها شعار می‌دهند به این امید‌واهی که کسی یادش نمی‌ماند و هیچ عملی هم نمی‌کنند در آرزوهای دور و دراز بود. این یک واقعیت است که گیم‌رهای نوجوان از کوچک‌ترین پیام‌های اخلاقی در بازی‌ها گریزانند و از قضا دادن همین پیام‌ها است که دومین عامل نابودی صنعت بازی ویدیویی در ایران شده و من تاکنون هیچ بازی خارجی را ندیده‌ام که دنبال القای پیام فرهنگی مدنظر خود بوده باشد یا اگر چنین قصدی داشته‌اند بسیار نرم‌تر و غیر محسوس‌تر از آن بوده که گیم‌ری متوجه آن شود. با این حال باید به اقدام برخی و پیام اخلاقی و غیرزنده‌ای در توسط «مبارزه در خلیج عدن» اشاره کنم؛ بازی که توسط ارتش جمهوری اسلامی ایران ساخته شده و در آن تکاوران نیروی دریایی ارتش ایران به جنگ دزدان دریایی در منطقه خلیج عدن رفته‌اند و در مرحله‌ای از مبارزه با ترار تاریخی آن منطقه انجام می‌شد در صورتی که بازیکن به اشتباه به آثار تاریخی شلیک می‌کرد، می‌بخت و باید مرحله را از ابتدا آغاز کند. به هر حال در پایان باز یادآوری کنم که در زمینه‌ای باید اول توان کاری را به دست آورد و بعد به فکر انتقال پیام‌های فرهنگی (۱) از آن افتاد.

نقش کارگران در جامعه

نداشتن آموزش مناسب و مهارت‌های اشتباه و شرایط سخت و دشوار کاری و کمبود یا عدم امکانات و تسهیلات برای کارگران، حق بیمه و... که دولت حتماً باید به این قشر زحمتکش و شریف پرداخته و بسته‌های حمایتی را برایشان در نظر گرفته و نیازهای آنان را تأمین کند. در حقیقت قشر کارگر، به عنوان نیروی محرکه اقتصادی و اجتماعی، نقش بسیار مهمی در پیشرفت جوامع دارند. از تولید و توسعه اقتصادی گرفته تا تقای شرایط اجتماعی و فرهنگی. تلاش‌های کارگران نقش حیاتی در زندگی و جامعه ما دارد. کارگران هم مانند همه گروه‌ها و لایه‌های جامعه، باید از تمام امکانات رفاهی و مناسب و از حق زندگی مناسب و رفاه کافی برخوردار باشند.

تحلیلگر مسائل اجتماعی



درباره خانه تکانی کاخ سفید در هیاهوی تعویق دور چهارم مذاکرات

ایران و دیپلماسی ترامپ

را بر همکاری‌های بین‌المللی اولویت می‌دهد. یکی از مظاهر کلیدی این تغییر، رد مکرر یا به حاشیه راندن بلند‌بود که خانه تکانی که مهم‌ترین صلاهای مخالف در دولت‌اول ترامپ‌هاست که مهم‌ترین نمونه‌آن شرایط پیرامون برکناری جان بولتون، مشاور امنیت ملی بود. حذف «هایک پمپئو»، وزیر امور خارجه سابق امریکا و حالا ماجرای والتز نشان‌دهنده دامه رویه قدیمی مرد دیوانه است.

فعلاً «مارکو روبیو»، وزیر امور خارجه امریکا سکاندار امنیت ملی ایالات متحده شده، اما سناتور سابق جمهوری خواهان تندرو هم ممکن است به سرنوشته والتز دچار شود.

رییس جمهوری امریکا می‌خواهد برنامه‌هایش در سیاست خارجی را اجرا کند. او چندین هدف را پیش از بازگشت به کاخ سفید ردیف کرده بود، اما هیچ کدام به نتیجه مطلوب نرسیده است. «دونالد ترامپ» می‌خواهد به هر قیمتی آسمان را به زمین بدوزد. ظاهراً «مرد دیوانه» می‌خواهد همه مسائل امریکا با روسیه در جنگ او کرایین، با ایران در پرونده اتمی، با چین

در توسعه اقتصادی، اروپا در هزینه‌های سربار ناتاو و چندین پرونده ریز و درشت دیگر را حل کند. در دور اول، یکجانبه‌گرایی ترامپ در اقداماتی مانند خروج ایالات متحده از توافق تجاری مشارکت ترانس پاسیفیک، توافق پاریس در مورد تغییرات اقلیمی و توافق هسته‌ای ایران (برجام) مشهود بود. این تصمیمات اغلب بدون مشورت قابل توجه با متحدان

گرفته می‌شد و اغلب با این باور رییس جمهور توجیه می‌شد که ترتیبات موجود برای منافع امریکا مضر است. این تأکید بر خودتأکی و بی‌اعتمادی به تعهدات بین‌المللی، اعتماد به شترکای دیرینه را از بین برد و اتحادهای جهانی را متشنج کرد. ترامپ در پرونده ایران با الگوریتم ویژه مرد دیوانه‌وبازی با ساعت یزدنی مذاکرات تلاش می‌کند تهران را ذیل استراتژی فشار حداکثری پای میز مذاکره بنشاند. البته در طرف مقابل ایران نشان داده که به همان میزانی که آماده مصالحه و توافق است؛ انگشت‌ها را روی ماشه نگه داشته است.

اتحادیه نامتجانس مخالفان مذاکره با تهران

اتحادیه‌ای هستند که این رژیم در نتیجه ذکر نامش در این جنجال متحمل خواهد شد، چراکه به این صورت این رژیم به گونه‌ای نشان داده می‌شود که در حال بازی کردن با ترامپ برای کشتادن وی به جنگ با ایران است.

نتانیاهو می‌داند که مرد دیوانه قابل پیش‌بینی نیست و هر لحظه ممکن است رفتاری که با نخست‌وزیر اوکراین رخ داده، شامل حال نخست‌وزیر اسرائیل شود. ناگفته نماند که مدل اعلام شروع مذاکرات امریکا با ایران و چهره به‌تندره نتانیاهو دست‌کمی از تحقیر زلتسکی نداشت. ماجرای خشم ترامپ از والتز که جانب نتانیاهو را گرفته بود هم یک پالس مشخص برای تال آویوست که مرد دیوانه اجازه نمی‌دهد کسی جای او تصمیم بگیرد.

نتانیاهو پس از ماجرای هفتم اکتبر با توسعه بحران توانسته از محلات اپوزیسیون صهیونیستی در امان ماند؛ می‌داند که چشم‌انداز روشنی ندارد. روزنامه‌عبری «امباریو» گزارش داد که پیشنهادی قضایی به نتانیاهو ارائه شده است با اقرار به اتهامات در پرونده‌های فساد خود، از سیاست کناره‌گیری کند. این ایده که پیش‌تر نیز در محافل حقوقی و سیاسی اسرائیل مطرح شده بود، اکنون با جدیت بیشتری بررسی و به عنوان راه‌حلی برای پایان دادن به بن‌بست سیاسی طولانی‌مدت در اسرائیل دیده می‌شود. اسحاق هرتزوگ، رییس اسرائیل در گفت‌وگو با «یدیעות آحازوت» این پیشنهاد را تأیید کرد و اظهار داشت که چنین توافقی می‌تواند تنش‌های سیاسی و اجتماعی را کاهش دهد و گزینه‌ای عملی برای عبور از بحران کنونی باشد.

گفته شده که ترامپ در جریان سفر به خاورمیانه که برای ۱۳ تا ۱۶ ماه مه برنامه‌ریزی شده، قرار است به عربستان سعودی، قطر و امارات عربی متحده برود. تاکنون خبری مبنی بر قصد ترامپ مبنی بر سفر به سرزمین شغالی منتشر نشده است.

دیپلماسی تک نفره مرد دیوانه

دوران ریاست جمهوری ترامپ با فاصله‌گیری آشکار از سیاست خارجی سنتی امریکا یا گرایش‌های یکجانبه‌گرایانه و بدبینی نسبت به نهادهای چندجانبه مشخص شده است. این رویکرد که اغلب با عنوان «اول امریکا» مطرح می‌شود، توافقات دوجانبه و منافع ملی

برجام که روزگاری برای خروج ترامپ از توافق برای اقدام مشترک یقه پاره می‌کردند؛ امروز می‌گویند که ترامپ باید امتیازاتی بیش از گذشته را مطالبه کنند. آنها نگران هر گونه توافق ترامپ با ایران هستند. برخی رسانه‌ها ضمن تلاش برای بازی با فکر تهران می‌خواهند مذاکرات را به بن‌بست بکشند.

ناگفته نماند که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم که باید در مقام کنترل‌کننده بحران ظاهر شود؛ گاهی به تخاصم و بدبینی‌ها دامن می‌زند تا همانند اروپایی‌ها یک بازیگر پارادوکسیکال در مذاکرات ایران و امریکا باشد.

تجربه عراق مقابل ترامپ

نشریه هیل هشدار می‌دهد که «امریکا نباید اشتباه حمله به عراق را در باره ایران تکرار کند». بنا به نوشته نشریه وابسته به مجلس نمایندگان، «استیو کول» در کتاب «تله آشیل»، روایتی مستند و دقیق از چگونگی سوتفاهم‌های متقابل، شکست‌های اطلاعاتی و تفکر گروهی نهادهی که منجر به حمله فاجعه‌بار ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ شد، ارائه می‌دهد. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه سیاستگذاران امریکایی، تحت تأثیر الزامات داخلی و اعتبار منطقه‌ای، سیگنال‌های مبهم و غیر شفاف صدام را اشتباه تعبیر کردند.

کتاب تله آشیل فاش می‌کند که سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده، تحت فشار برای ارائه گزارش‌های قطعی، اغلب بدترین سناریوهای ممکن را پیش‌بینی می‌کردند و منطق درونی تصمیمات عراق را در نظر نمی‌گرفتند.

مورد عراق نشان می‌دهد که چگونه ایدئولوژی، تحرکات بروکراتیک و دستور کارهای سیاسی در واشنگتن، یک سیستم اطلاعاتی بسته ایجاد که ترس را تقویت کرد، دیپلماسی را به حاشیه راند و در نهایت فرصیات ناقص را به توجیهی برای جنگ تبدیل کرد. عنوان «تله آشیل» به گرفتاری متقابل صدام و ایالات متحده در چرخه‌ای قضاوت نادرست اشاره دارد، بدون اینکه هیچ کدام قادر به اصلاح مسیر باشند.

این داستان هشداردهنده چیزی بیش از یک گذشته‌نگری است. این داستان، در پیچهای حیاتی برای درک چگونگی ادغام نقاط کور نهادهی مشابه در شکل دهی سیاست خارجی امریکا - به‌ویژه در قبال ایران - ارائه می‌دهد.

نظریه اصلی کول مبنی بر این است که واشنگتن می‌تواند زندانی روایت‌های نادرست و تکرار گزارش‌های غلط امنیتی شود؛ وضعیتی که مشخصاً واشنگتن را در پرونده تهران درگیر کرده است. امریکا با بدبینی مفرط هرگز نتوانسته وارد یک دیپلماسی عملگراییانه با تهران شود؛ داستان جالب اینجاست که ترامپ برخلاف سایر روسای جمهوری امریکا در چارچوب‌های سنتی کاخ سفید رفتار نمی‌کند.

هیل صراحتاً هشدار می‌دهد که بازنویسی محاسبات جنگ عراق برای حمله به ایران یک خطای فاحش



برای امریکاست و در ادامه ابراز ناراضیانی می‌کند که اطلاعات از طریق فرضیات بدترین حالت فیلتر می‌شود. موضع بازدارنده و رفتار منطقه‌ای ایران نه به عنوان محاسبات استراتژیک، بلکه به عنوان مدرکی از خصومت ذاتی تفسیر می‌شود. این قاب تفسیری محدود از ارزیابی‌های تهدید را تحریف کرده و دیپلماسی را تضعیف می‌کند.

چالش‌واشنگتن و حلقه حاکمیتی امریکا این است که با وجود سال‌ها بازرسی‌های سرزده توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و فقدان هر گونه شواهد قطعی دال بر تلاش برای تسلیحاتی کردن، این برنامه همچنان در گفتمان امریکایی به عنوان یک تهدید نظامی پنهان به تصویر کشیده می‌شود. ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران - که ریشه در تنوع‌بخشی به انرژی، توسعه فناوری و حاکمیت ملی دارد - تحت الشعاع فرضیات بدترین حالت قرار گرفته است که توسط بازیگران سیاسی و شبکه‌های لابی‌گری تقویت می‌شود.

تحریف مداوم حقایق در مورد ایران نه تنها توسط تحلیل‌های ناقص، بلکه توسط روایتی با دقت ساخته شده که برای تداوم درگیری طراحی شده است، هدایت می‌شود. سوتفاهم‌ها در مورد ایران ناشی از شکست‌های اطلاعاتی نیست - برعکس، بیش از ۲۰ سال است که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به‌طور مداوم به این نتیجه رسیده است که ایران به دنبال سلاح‌های هسته‌ای نیست، موضعی که در گزارش ارزیابی سالانه تهدید ۲۰۲۵ مجدداً تأیید شده است. تحریف مداوم حقایق در مورد ایران نه تنها توسط تحلیل‌های ناقص، بلکه توسط روایتی با دقت ساخته شده که برای تداوم درگیری طراحی شده است، هدایت می‌شود. سوتفاهم‌ها در مورد ایران ناشی از شکست‌های اطلاعاتی نیست - برعکس، بیش از ۲۰ سال است که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به‌طور مداوم به این نتیجه رسیده است که ایران به دنبال سلاح‌های هسته‌ای نیست، موضعی که در گزارش ارزیابی سالانه تهدید ۲۰۲۵ مجدداً تأیید شده است.

تحریف مداوم حقایق در مورد ایران نه تنها توسط تحلیل‌های ناقص، بلکه توسط روایتی با دقت ساخته شده که برای تداوم درگیری طراحی شده است، هدایت می‌شود. سوتفاهم‌ها در مورد ایران ناشی از شکست‌های اطلاعاتی نیست - برعکس، بیش از ۲۰ سال است که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به‌طور مداوم به این نتیجه رسیده است که ایران به دنبال سلاح‌های هسته‌ای نیست، موضعی که در گزارش ارزیابی سالانه تهدید ۲۰۲۵ مجدداً تأیید شده است.

تحریف مداوم حقایق در مورد ایران نه تنها توسط تحلیل‌های ناقص، بلکه توسط روایتی با دقت ساخته شده که برای تداوم درگیری طراحی شده است، هدایت می‌شود. سوتفاهم‌ها در مورد ایران ناشی از شکست‌های اطلاعاتی نیست - برعکس، بیش از ۲۰ سال است که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به‌طور مداوم به این نتیجه رسیده است که ایران به دنبال سلاح‌های هسته‌ای نیست، موضعی که در گزارش ارزیابی سالانه تهدید ۲۰۲۵ مجدداً تأیید شده است.

تحریف مداوم حقایق در مورد ایران نه تنها توسط تحلیل‌های ناقص، بلکه توسط روایتی با دقت ساخته شده که برای تداوم درگیری طراحی شده است، هدایت می‌شود. سوتفاهم‌ها در مورد ایران ناشی از شکست‌های اطلاعاتی نیست - برعکس، بیش از ۲۰ سال است که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به‌طور مداوم به این نتیجه رسیده است که ایران به دنبال سلاح‌های هسته‌ای نیست، موضعی که در گزارش ارزیابی سالانه تهدید ۲۰۲۵ مجدداً تأیید شده است.

تحریف مداوم حقایق در مورد ایران نه تنها توسط تحلیل‌های ناقص، بلکه توسط روایتی با دقت ساخته شده که برای تداوم درگیری طراحی شده است، هدایت می‌شود. سوتفاهم‌ها در مورد ایران ناشی از شکست‌های اطلاعاتی نیست - برعکس، بیش از ۲۰ سال است که جامعه اطلاعاتی ایالات متحده به‌طور مداوم به این نتیجه رسیده است که ایران به دنبال سلاح‌های هسته‌ای نیست، موضعی که در گزارش ارزیابی سالانه تهدید ۲۰۲۵ مجدداً تأیید شده است.

کارشناس روابط بین‌الملل



مراسم رونمایی از کتاب «ناخلف» نوشته حسام آبنوس، ۱۵ اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شود.

مراسم رونمایی از رمان «ناخلف» اثر حسام آبنوس، روزنامه‌نگار که به تازگی در انتشارات سوره مهر منتشر شده، امروز دوشنبه، ۱۵ اردیبهشت از ساعت ۱۷:۳۰ در کتابفروشی سوره مهر انقلاب برگزار

تهران شهر دانشگاهی؟



بهروز مرغابی

تهران پایتخت ایران است. گفته می‌شود تمام امکانات کشور متمرکز در تهران است. بهترین بیمارستان‌ها، بزرگ‌ترین صنایع، بیشترین سینماها و کنسرت‌ها، الی‌آخراً! اما این تمام داستان نیست. تهران در برخی حوزه‌ها نه تنها سرآمد کشور نیست بلکه نسبت به برخی استان‌ها عقب‌مانده هم هست. یکی از این حوزه‌ها، برخلاف تصور عام، حوزه دانشگاه و دانشجو است. طبق آمار، استان تهران نزدیک به ۸۷۲ هزار دانشجو دارد. عدد کوچکی نیست. در نظر بگیریم که کل استان سمنان کمی بیش از ۷۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. یعنی تعداد دانشجویان استان تهران حدود ۲۵ درصد بیش از جمعیت یکی از استان‌های کشور است. اما قضایه به همین‌ساده‌گی نیست. همین استان سمنان نزدیک به ۹۹ هزار نفر دانشجو دارد. یعنی کمی کمتر از ۱۵ هزار نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت استان. اما این عدد در استان تهران نزدیک به ۶۹۰۰ نفر در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت استان است. پس، از نظر نرخ دانشجو، استان سمنان دانشگاهی‌تر

فروشگاهی مدرن در شهری کم‌آشنا

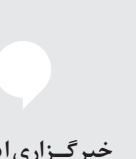


رویا صادر

سفر در دل خراسان بزرگ، در تاریخ غرقت می‌کند. انگار زمان در کوچه‌پس‌کوچه‌های کله‌کلی شهرها و روستاهایش متوقف می‌شود و ترس خورده، به دشت پیش رو می‌نگرد که غریو تاخت‌وتاز مغولان همچنان

در سکوت کویرش می‌پیچد و نوای دوتار، زبان رنج مردمانش می‌شود. سفرمان از خواب و مسجد ملک زوزن آغاز شد، در مزار ابوبکر تابیادی تداوم یافت و به مقبره شیخ احمد جام و شهر کتاب تربت‌جام ختم شد. نرسیده به محوطه آرامگاه شیخ احمد جام (که از شاهکارهای معماری دوران تیموری است) سنگی قرار دارد. به‌باور بسیاری، این سنگ مقدس است و این عارف نام‌آور، پس از ۱۸ سال عزلت، سوار بر آن از یزد تا تربت‌جام پرواز کرده است. در گذر از یافت قدیمی شهر و رفتن به خیابان مدرن شهرداری تربت‌جام، با فروشگاه‌ها و خانه‌های نوساز و زیباییاش، این روایت افسانه‌ای، رنگی نمادین به خود

پیشنهاد خطرناک بابک



مهدی خاکی‌فیروز

در دل ماراتن نفس‌گیر ۴۸ ساعته‌ای گرفتار بودیم که قرار بود مجله‌ای ۴۰۰ صفحه‌ای را به خط پایان برسانیم. هواسنگین، پلک‌ها تنبیل، مغزها نیم‌پز. مانی‌تورها مثل فانوس‌های دریایی در دریای تاریک بی‌خوابی چشمک می‌زدند و راه را نشان می‌دادند؛ اما امیدوی به ساحل نبود. بابک بانگاهی درخشان‌تر از چشم‌های در خشان یک گربه در شب تاریک، از پشت

خبرگزاری ایرنا با انتشار

مجموعه عکسی نوشت:

«ویژی‌های منحصر به فرد

میمند در پرورش گل

محمدی و تولید عرقیات هر

سال مسافران زیادی را برای

گردش در باغ‌ها و خرید گل و

عرقیات در این فصل سال به

این شهر می‌کشاند. رویداد

کهن‌کلاب‌گیری منطقه میمند

از شهرستان فیروزآباد استان

فارس در فیه‌رست رویدادهای

گردشگری کشور به ثبت

رسیده است. برداشت گل

محمدی از اواخر فروردین

آغاز می‌شود و تا اوایل خرداد

ادامه دار.»

می‌شود. این نشست با حضور نویسنده، حسام آبنوس، ۱۵ اردیبهشت‌ماه برگزار می‌شود.

مراسم رونمایی از رمان «ناخلف» اثر حسام آبنوس، روزنامه‌نگار که به تازگی در انتشارات سوره مهر منتشر شده، امروز دوشنبه، ۱۵ اردیبهشت از ساعت ۱۷:۳۰ در کتابفروشی سوره مهر انقلاب برگزار

کلی عوض کند از آن اتفاقاتی است که عبدالله داوودی، نیروی گارد شاهنشاهی و شخصیت اصلی داستان «ناخلف» دچارش می‌شود.

او در کشمکش میان انتخاب خود و قضاوت دیگران قرار گرفته که سبب می‌شود در مسیری بی‌بازگشت قرار بگیرد. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانید:

«خبردار می‌ایستم. به سر و وضع دقیق می‌شوم. در حضور بزرگ‌ارتشتاران با زیرشلوار و زیرپیراهنی ایستاده‌ام! دارم از خجالت آب می‌شوم. چطور چنین چیزی ممکن است؟ باورم نمی‌شود. کاش زمین دهان‌باز می‌کرد و من را در خودش فرو می‌برد، ولی در این موقعیت قرار نمی‌گرفتم.»



مشاغل و گروهای مرجع اجتماعی تجربه کرده است که بخشی به خاطر احداث شهرک‌ها و واحدهای صنعتی در این استان است. در شهرهای کوچک جنوبی هم شاهد تغییر رفتار اجتماعی ناشی از حضور محسوس دانشجویان هستیم مثل بندر لنگه. بنابراین، یکی از عوامل موثر در تقویم شرایط زیستی شهر که در



چه از نظر موضوع و چه عنوان با آنچه مورد اقبال در مرکز است، مشابهت دارد. کتاب‌های روان‌شناسی و تاریخ‌با‌عنابونی آشنا. انگار فرهنگ‌با همه داشته‌هایش از فراز قرون و اعصار و شهرها و استان‌ها پرواز کند و در

جان‌ها و فکرها را با واژه‌ها به هم پیوند بزند؛ واژه‌هایی مقدس که سرمایه‌گری‌گاه بازگشت‌ناپذیر کتاب و کتابفروشی را توجیه‌پذیر سازند.

نقطه سقوط بود. ضربان قلب به ریتمی رسید که انگار طبل‌زن جهنم دارد فرمان حمله می‌دهد. قفسه‌سینه می‌سوخ، دست‌ها می‌لرزید و زبان، واژه «کمک» را پیدانمی‌کرد. آمولاس مثل اسب سفید شوالیه‌های نجات از راه رسید. در آورژانس، دکنتر با چهره‌ای شبیه بازپرس پرونده‌های خرابکاری، اصرار داشت بپرسد چه چیزی مصرف شده. وقتی پاسخ شنید «نوشابه انرژی‌زا با اسپرسو»، لب‌خندش تلخ شد. زیر لب زمزمه‌ای کرد درباره احضار ارواح با فرمول‌های ساده. پرستار، مشکوک به توهین‌زا بودن معجون، وسایل نوار قلبی را



■ **صاحب امتیاز:** موسسه رسانه‌نگاران خوب‌اندیش
■ **مدیرمسئول:** بهروز بهزادی
■ **مدیر عامل:** علی حضرتی
■ **معاون اجرایی:** حجت‌طهماسبی
■ **مشاور مدیرمسئول:** محمد حضرتی
■ **نشانی:** خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن‌بست مینو
■ **تلفنخانه:** ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ - ۶۶۱۲۴۰۲۱
■ **ایمیل:** etemaddaily@hotmail.com
■ **توزیع:** نشر گستر امروز ■ **تلفن:** ۶۱۹۳۲۰۰۰
■ **چاپ:** همشهری ۲ ■ **تلفن:** ۶۶۲۸۳۲۴۲



روایت چهاردهم: به سوی تهران

اشتباه می‌کردند. این جنگ قدرت میان عمو و برادرزاده از آن جنگ‌هایی نبود که به مصالحه و معامله چاره شود. تقسیم‌قدرت‌نیز میان این دو شدنی نبود. تختی که هر دو نفر نشستن روی آن راحق خودش می‌دانست، فقط جای یک نفرشان بود. کار شاهزادگان مقیم فارس نیز در نبردی کوچک به پایان رسید و گرد و خاک آنان نیز زودتر از آنچه برخی انتظار داشتند، فرونشست. شایعه جنگ داخلی به همان سرعتی که پخش شده بود، ختم شد و سایه ترسی که بر قلب مردم افتاده بود، کنار رفت. دوران فرمانروایی محمدشاه نیز با تنبیه و مجازات شماری از قاجارها که مخالفش بودند یا احتمال مخالفتشان زیاد بود، آغاز شد. البته قدرت واقعی در دست وزیرش، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام بود. او بود که ولیعهد را در تبریز به شاهی خواند و مقدمات حرکت به تهران و تسلط بر پایتخت را برایش مهیا کرد. او بود که به همه ایالت‌های دور و نزدیک نامه نوشت و هر کسی را که خیالی در سر داشت به تهدید یا وعده از مغالط با محمدشاه منصرف کرد. او بود که شاهزادگان یانی و مدعی را سر جای خودشان نشاند و با تدبیر و قاطعیت -و البته پشتیبانی روس‌ها و انگلیسی‌ها- همه موانع سر راه محمدشاه در مسیر تصاحب تخت سلطنت را برداشت. بسیاری می‌گفتند حکومت در دست قائم‌مقام است و شاه‌جوان عملاً هیچ اختیاری از خودش ندارد و در عزل و نصب‌ها و تصمیم‌گیری‌ها کارهای نیست. به‌نوشته مستوفی، قائم‌مقام نیز «برای اینکه شاه را تربیت کرده و در رساندن او به ولایتعهدی و سلطنت زحماتی کشیده بود به خود اجازه می‌داد که به شاه‌جوان به نظر خودمانی نگاه کند و اکثر به فرمایشات او جواب سر بالا می‌داد.» اینجا و آنجا در محافل خصوصی، برخی به طعنه‌می‌گفتند یا آغاز سلطنت محمدشاه، در واقع دوران فرمانروایی قائم‌مقام شروع شده‌است و احتمال می‌دادند که این فرمانروایی سلال‌ها یا حداقل چند سالی طول می‌کشد. اشتباه می‌کردند. ماجرای شاه و وزیر، متفاوت با این حدس و گمان‌ها پیش رفت.

چنانکه پیش‌بینی می‌شد، چندتایی از شاهزادگان قاجاری به مخالفت با محمدشاه رفتند. از همان ابتدا، از زمانی که به تصمیم فتحعلی‌شاه و اباقشار روسیه -به ولیعهدی انتخاب شد، مخالفش بودند. اما زورشان به زور پرنر رسید

مرتضی میرحسینی

و از مخالفت با او به جایی نرسیدند. خواه‌ناخواه با تصمیم پدرشان کنار آمدند و کوشش برای تصاحب آن حق ادعایی را تا زمانی بهتر عقب‌انداختند. پدرشان که مرده، فرصت را مناسب دیدند و خودشان را شاه ایران نامیدند. دست‌کم دو نفر از این «شاهان»، یکی علی‌میرزا ظل‌السلطان در تهران و دیگری حسینعلی‌میرزا فرمانفرما در فارس، راستخ‌تر از دیگران بودند و تا به آخر بر ادعایی که داشتند، ایستادند. شماری از قاجارها نیز به پشتیبانی این دو -که البته دشمن یکدیگر نیز بودند - رفتند و به قول مستوفی «کم‌مانده بود که مردم ایران گرفتار هرج‌ومرج نظیر بعد از نادرشاه بشوند.» اما چنین نشد. نه آن مدعیان در حد و اندازه ادعاهایشان بودند و نه شرایط زمانه، شرایطی شبیه به دوره‌ی سر قتل نادرشاه بود. تهران بدون درگیری جدی، بعد از چهل روز سلطنت ظل‌السلطان تسلیم شد و -که در همان یک‌ماه و چندروز، بیشتر خزانه را به این دو - که آن یخشیده بود - در حسرت رسیدن به آرزویی که داشت ماند. به روایت سیمونینج، وزیر مختار روسیه در ایران «در دستخط‌ها و فرمان‌هایی که ظل‌السلطان به برادرزاده‌ش محمدشاه می‌فرستاد، آثار دولتی و دستپاچگی که در حین نوشتن آنها داشته، مشهود بود. این نامه‌ها گاهی لحن تهدیدآمیز داشت، ولی بیشتر با بیانی ملایم نوشته شده‌وا و محمدشاه خواهش می‌کرد که لاقال برای مدتی که او زنده است از ادعای تاج و تخت بگذرد و قول می‌داد که هم‌اکنون او را به جانشینی خود معرفی کند. حاشیه‌نشینان به این شاهزاده ضعیف‌النفس اطمینان داده بودند که این طرز عمل قرین موفقیت خواهد بود.»

